

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**پیکار** (۲۶)

دوشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸      بها: ۲۰ ریال

- پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید**
- اوبسی های جدید سخن میگویند      صفحه ۴
  - اخباری از جنبش دانش آموزی      صفحه ۱۳
  - تظاهرات دانشجویان مبارز در تهران      صفحه ۱۳
  - گرمای باد خاطره رفیق شهید سیمین جبروی      صفحه ۸
  - امام خمینی به محمد میرلشاری تأمین داد      صفحه ۱۵

## ارتجاع حاکم صیادان زحمتکش و مردم مبارز بندرانزلی را به خاک و خون کشید

باردیگر در گوشه ای از مبین مازحمتکشان بخاطر رسیدن به درخواست های خود به خاک و خون کشیده شدند. روز دوشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر عده ای از صیادان زحمتکش آزاد، جهت اعتراض به زیربنا گذاشتن شوافقت قبلی که در اثر اعمال فشار از جانب این زحمتکشان صورت گرفته دست به اعتراض میزنند. بر اساس این توافق قرار شده بود بخاطر فصل تخم ریزی فعلا از صید خودداری شود و صیادان آزاد نیز حق صید را که رژیم بهلوی از آنان گرفته بود ظاهرا بدست آورده بودند. اما شیلات این قرار داد را زیر پا میگذارد و صیادان زحمتکش که مشاهده می کنند تنها منبع معاش و زندگی شان بار دیگر بدست شیلات، این مؤسسه سرما بداری دولتی غارت می شود. در جلوشیلات جمع می شوند و با شعار " صید آزاد باید گردد - کار، کار اینست شعار مبارک " به اعمال شیلات بقیه در صفحه ۲

### مضحکه شوراهای دولتی و حزب " توده خائن "

\* هدف کمونیستها از شرکت در مجامع بورژوازی چیست ، و رویزیو - نیستها چگونه آنها تحریف میکنند ؟  
در صفحه ۷

"مروری بر گزارش آقای بهادران"

### ارتجاع رسوا می شود ، صحت افشاگرهای کمونیستهای واقعی بیشتر روشن می گردد و سازشکاران به تکاپو می افتند !

\* اعتماد بسیار از مردم به بی اعتمادی و خشم نسبت به رژیم مبدل شده است .  
\* رویزیونیستهای خائن با اقصاء شدن این سند نیز ، در صدد پوشاندن ماهیت رژیم هستند .  
\* چرا سازمان مجاهدین خلق در مورد جنایات رژیم در کردستان سکوت میکند ؟  
در صفحه ۵

### اخباری از: کردستان قهرمان

در صفحه ۳

- ### جنبش گاوگرمی
- مبارزه کارگران نخ زرین
  - اعتصاب کارگران کارخانه سیترون
  - اطلاعیه شماره ۳ کارگران شرکت تکنوکار
  - مبارزه کارگران گروه صنعتی پارس (مینو)
  - گزارشی از تجمع کارگران پیکار
- در صفحه ۱۶

### بازرگان چه کسی را می خواهد بفریبد ؟

( نگاه می به مصاحبه نخست وزیر با اوریانا فالاجی )  
در صفحه ۱۴

## مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

کلوله سسته میشدند. امروز حداقل حقوق بعضی حق صید آزاد را میخواهند تا خانواده خود را از گرسنگی نجات دهند. اما ایزدی وزیر کشاورزی که سانسده زمین داران در دولت نارگان است و حمایت او از زمینداری بزرگ زرگان آشکار می باشد، و رجائی رئیس شلالت که رماسی مشاور آناشای بوده و رماسی دیگر در سارسی شاهنشاهی خدمت میگردد است. بدلیل ماهیت طبقاتی خود بدلیل دشمنی خود با رحمتگان حاضرینند این حق را بر سمیت شناسندو اگر هم در ظاهر فصول کرده باشد لفاقطه ودر اولین فرصت این عفت نسیمی را پس میگيرند. اعلام جرم فرماندار ارسل علیبه وزیر کشاورزی گویای این واقعیت است و کلیشه آنها ملاحظه می کند که چگونه وزیر کشاورزی مثلا دشمنی خود را با رحمتگان صاد انزلی نشان داده است و این نه وزیر کشاورزی و رئیس شلالت بلکه کل دولت است که امروز در مقابل رحمتگان ایستاده است. و بهمین دلیل در این مورد نیز می بینیم که دولت با صدور اطلاعیه سی سرورنهی که شبا هت کامل بسه اطلاعیه های شاه در جریان انقلاب دارد. کوشش میکند مبارزه حق ظلمانه رحمتگان را لو ت کند. از "عوامل منکوک" حرف بزنند تا کشاوری را که دستور هیئت حاکمه صورت گرفته شوجبه کند. جالب است مابود دولت که علی القاعده می نمایند از اطلاعات فرماندار انزلی (بعینی سماییده خود در این شهر) برای اعلام موضع در مورد حوادث ارسل استفاده کند هیچ کدام از حرفهای شماینده خود را نمی زند. ولی بجای آن شروع به تکرار مطالب همیگی میکنند. در قسمتی از این بیانیه شبه آریا به شهری چنین آمده است: "... این افسراد ( منظور همان مردمی هستند که به اعتراض آمده اند اما دولت دلیل جمع آنها را چیز دیگری قلمداد کرده است ) به ادارات شلالت حمله کرده و در نتیجه به طرف محافظین شلالت تیراندازی هوائی شد با این حال درگیری شدت یافت بطوریکه ۳ نفر کشته شدند. ( نه آقایان بسیار بسیار اخلاقی شما را کنبند، نمیتوانند بگویند که این سه نفر کشته کی بودند و بدست چه کسانی کشته شدند و محرم هم که نظرف محافظین شلالت تیراندازی هوائی شد. ... آیا جوابش کشتن صادان رحمتکش بود ؟ ... )

اما علیرغم هر گونه یوشاندن حقایق و حاسبتیائی که از طرف هیئت حاکمه صورت میگردد در هر جنبش اعتراضی که توسط رحمتگان برآید ما فنند ما ک از چهره آنها سرداشته می شود و چهره کربه سرما به دار و ارتجاع بیرون می افتد و بدست ترتیب است کسی رحمتگان ما ناند و میگيرند و تخره می اندورند که دیگر بار سروشت خود را بدست سرمایه داران سپارند، بلکه این بار آن را در دست بیروان ببولنارنا قرار دهند. هرچه متحدر باد صفوف زحمتگان ایران گرامی باد خاطره شهادی حشش اعتراضی

◀▶ صادان شمال ▶◀

منگسند و برای همدردی ما صیادان انزلی رهسپار این شهر میشوند... چرا چنین اتفاقاتی می افتد ؟ در یک کلام باید گفت که بدلیل درنیمه راه ماندن انقلاب، بدلیل حاکمیت میوه چینان انقلاب، مسائلی را که انقلاب ایران رسالت انجام آنها را سپیده داشت همچنان حل نشده باقی مانده است. بکمال پیش سیز درست در جنبش رورهای نوده های سباحا سته برای برانداختن نظام بلطنتی و مجو ناطمه امپریالیسم و رسیدن به آزادی و استقلال توسط گلوله های چکمه پوسان ناهشاهی سحاگ و خون در می غلظیدند. اما از آحا که رحمتگان و قتل از همه طیفه کارگر رهبری را بدست برداشت، انقلاب سرمزل خود رسید و قدرتمندان جدید بدلیل سیکاگی از مسائل و دردهای کارگران دهقانان و

تمامی رحمتگان و خلقهای دستمیده و بدلیل اینکه نمی توانند در جهت مصالح آنان حرکت کنند و همواره رور روی آنها قرار دارند، هیچگاه نیز سوا هاند نواستند می در راه زحمتگان برآید، بلکه سا بردشمنسی طبقاتی خود با رحمتگان به سرکوب و وحشیانه آنان سواهد برآید، همچنانکه از اول نیز چنین کرده اند.<sup>۱</sup> بطور مثال بسیمیم در همین مورد، مسئله از چه قرار است؟ مسئله این است که صادان رحمتکش که سالبان درازرس فشار شلالت ( یعنی موسسه سرمایه داری دولتی که اسمارا حق صید دارد) برار داشته اند و بدست کاردهای مزدور شاه هنگام صید، به توضیح فرماندار بندر انزلی به مقامات مسئول در مورد حوادث بندر انزلی :

**بنام خدا**  
باسلام اینجناب بمعنوان نمایندگان صیادان آزاد و فرماندار بندر انزلی بدین وسيله علیه مدیر عامل شلالت ایران و وزیر کشاورزی اعلام جرم می کنم چرا که در جریان تشکیل سمینار بررسی مسائل ماهیگیران در بندر انزلی و کمیسسیون شلالت و استانداری گلان و در ملاقات با وزیر کشاورزی و مدیر عامل شلالت در تهران همه جریانات را دقیقاً به تمامی مقامات مسئول رساندم ولی آقای مدیر عامل شلالت به این مسائل و حقایق واقعی نهاده مصوبه را بدون توجه به حساسیت منطقه و اهمیت مسئله بروشنی ندید و آقای ( رورسامه جمهوری اسلامی ۲۶ مهر ۵۸ ) این توضیح سماییده دولت را که ناشد معنی حوادث سوده با اکادسد دروغ سانا دولتی که در شهران سشده است بخاسه کند!

بقیه از صفحه ۱ ارتجاع حاکم... اعتراض می کنند. اما آنان که هرگونه رسته ای را بس خود وزحمتگان گسته می بینند به تعنتگی های خود دستور ثلیک سمت رحمتگان را می دهند. در اثر این کشتار وحشیانه ۲۳ صیاد شهید و حدود ۳۵ نفر زخمی می شوند. اما درد زحمتگان عمیقتر از اینهاست. آنها همچنانکه بریادی صدرند: " از حطی و سیکاری مردم سشنگ آدمیم" حاضر سوده کشته شوند ولی تسلیم این مردوران ارتجاع سگردند. بدسال این کشتار زحمتگان با سعارهائی نظیر: " پاسدار پاسدار، حامی سرمایه دار " پاسدار - پاسدار زورور سرمایه دار" .... کینه طبقاتی خود را سروزادند و با یشتیمای مردم سراز انزلی به ساحتمان شلالت حمله کرده و آتراه آتش می کنند... فردای آبرور ساعت ۱۰ صبح مردم ضمن

• حوادث زمان شاه تکرار دیشود، چرا که ریشه مسائل با برجاست.  
• سرمایه دگان سرمایه داران و زمینداران و سرسپردگان رژیم قبلی هرگز سوا هاند سوا نست با زحمتگان جزا این رفتار کنند.  
• اطلاعیه تحریف آمیز دولت، اطلاعیه های آریا مهری را در توجهی جنایات خود بسخا طرمی آورد!

تشییع جنازه چند هزار نفری شهیدای دبروزور در حالی که عده ای از افراد نیروی دریا بشی ر با سانبان نیز همراه آنان در مراسم شرکت کرده بودند، سوسی مفر سپاه پاسداران حرکت می کنند، آنها در حالی که سعارهائی نظیر: " مرگ سوا این حکومت آحوسهدی" " برادری، سوابری، حکومت کارگری"، " درود سوا صیادان شهید"، " خلقالی دیوانه اعدام ساند سردد"، " خلقی کرد پیرو است - ارتجاع نا بود است" و.... را می دادند به مفر سپاه پاسداران می رسند پاسداران در اینجا نیز بسوی مردم ثلیک سموده و چند نفر از آنها را کشته و عسده زبادی را زخمی میکنند ( یک افسر نیروی دریا بشی و یک باسیان نیز حرو زخمی ساسود) و این نشان میدهد که آنها در ش قسلس دستورات اکید برای کشتار مردم دریا سست کرده بودند.

پاسداران آدمکش که در محاصره سوده های خشمگین قرار گرفته بودند مردم ما مولوتوف و اسلحه سوریر آنها با سخ میدادند، سالاخره فرار میکنند و حنشدن از آنها حین فرار بدست مردم کشته میشوند، و مردم ستاد را به تصرف خود درآورده و مقداری اسلحه بدست می آورند، سوده های خشمگین پاسداران فراری را نا شهربانی سشفب کرده و شهربانی رانیز در محاصره قرار میدهند و شهر صورت کامل حالت سعطیل درمی آید در این دوروز مجموعاً ۱۴ تا ۲۰ نفر کشته و حدوداً ۹۰ نفر (به نوشته کبیلان) زخمی میشوند.

سندنیال این وقاع مویجی ارشم کبیلان را فرامی گپرد: در رشتنه حسانت اررحمت کشان انزلی نظرها صوب سسگردد: بسی آن ۲۲ نفر توسط پاسداران حرم سسگرددند و مردم حسمگین نیز مفر سپاه پاسداران و سانبشی اطراف سساد و کیوسگ. سساشی را نه آتش می کنند، در سدر حسم کسا، زحمتگان ساحتمان شلالت را سواک، سسگان

### اخباری از کردستان

سنبله

روز ۵۸/۷/۲۶ مردم مسجد مسرای سزرگداشتاد یکی از شهیدان پهنوک "ما بله" اجتماع کردند. سپس در حیاسای اصلی شهر دست به راهپیمائی زدند. سوخی ارشادها چنین بود: "مه رگ سوچاشد کان - حاشه کوردفروشه کان" (مرگ سوزدوران - سوزدوران کرد فروش) . "ساهره توده هاس حبسینی رهبر ناست" . "زندانی سیاسی آزاد باید کردد" .

در خیابان وکسل عده ای از حاشیای معنی زاده (سارکرمی ، محم الدین حامسی و برادرش ، رضا کبوه گشان ، ناصر رنج آور ، حمید سیدالیندائی ، اقبال بیگی ) که از قتل درحای کمیسیون کرده بودند به تظاهرات کردند و با تیراندازی هوایی آنان را متفرق نمودند. ولی مردم درخیابان دیگر تظاهرات را از سر گرفتند که پی از حندی به آرامی بی پایان رسید. هنگامیکه عده ای از جوانان از جلوی مقر سپاه پاسداران در خیابان ۲۲ بهمن عبور میکردند، دو نفر از آنان توسط پاسداران بجرم شرکت در تظاهرات دستگیر شدند. مردم از این عمل بخشم آمده و جلوی مقر سپاه پاسداران اجتماع کردند و خواهان آزادی یاران خود شدند. جواب پاسداران رگبار گلوله بود که ۹ زخمی و ۲ کشته برجسای گذاشت. دختر ۵ ساله ای بنام لیلا سجادی جزو کشته شدگان بود. در میان زخمیها نیز یک کودک ۷ ساله و یک کودک ۸ ماهه دیده میشود .

شب همانروز بلندگوهای ارجاع اعلام کردند که این عده عوامل صیونیست و ضد انقلاب بودند و قصد حمله به سپاه پاسداران را داشتند ؟!

★ ★ ★

روز جمعه ۵۸/۷/۲۷ دو نفر دستگرا زخمی ما در بیمارستان قانع به شهادت میرسند. نزدیک ظهر حدود ده هزار نفر از مردم شهر به عنوان اعتراض به جنایتهای رژیم دست به تظاهرات زدند، که بدون حادثه ای پایان یافت .

#### جاودان یاد شهیدان خلق کرد

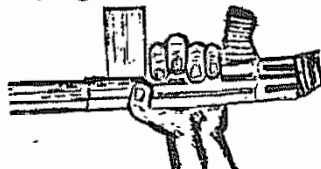
روز یکشنبه ۱۵ مهر برابر با چهلمین روز شهادت گروهی از انقلابیون و رزمندگان کرد بود که بدست خلیفائی جلاذ ، حاکم شرع منصوب آقای خمینی ، شهادت رسید به بودند بهمن مناسب از چند روز قبل تراکست و اعلامیه هائی برای بزرگداشت این شهیدان در شهر پخش شده بود . و تصاویری از لحظات اعدام را با قطعات بزرگ در خیابان اصلی شهر و معا بر بزرگ نصب کرده بودند .

صبح روز یکشنبه تظاهراتی ، بعد تا از جانب دانش آموزان دختر و پسر و از مدارس صورت گرفت و تظاهر کنندگان به خیابانها آمدند. اما تظاهر کنندگان تعدادشان خیلی زیاد نبود بعد از ظهر همین روز مجدداً تظاهراتی

صورت گرفت که صف تظاهرات کنندگان به سگ کیلو متر رسید آنها با عوارز حیاسانهای اصلی شهر در حالیکه عکس شهداراد در جلو صف و عکس های سرگ سده ای از لحظسات اعدام انقلابیون را در جلوی صف حمل میکردند شعارهایی زبان کردی و فارسی میدادند مانند: "اتحاد مبارزه ، سروری" ، "مرگ بر فتنی زاده" ، "عزاد بی حسدینی رهبر خلق کرد است" ، "جمعیت بقدری زیاد بود که پاسداران وارتنی ظریف هموعیب تظاهرات از جانب خلیفائی حریف مداحله و مزاحمت را نبافتند تظاهرات در جدد و ساعت ۶ بعد از ظهر بدون حادثه ای پایان یافت .

#### مهاباد

شمنونه ای از نفرت مردم به پاسداران روز جمعه ۵۸/۷/۲۰ حدود ۳ ساعت بعد از ظهر عده ای پاسدار که از مابند و آب حرکت کرده بودند با یک ماشین پلیز وارد مهاباد می شوند . مردم به آنها هجوم می برند و پاسداران بحالت تیراندازی به سمت شهرپایان عقب نشینی میکنند . پاسداران مستقر در شهرپایان از ترس حمله مردم به آنها به پاسداران اخطار میکنند که هرچه زود تر شهرپایان را ترک کنند . طولی نمیکشد که یک زره پوش ارتشی به شهرپایان می آید و پاسداران را به بادگان میبرد مردم به شهرپایان میریزند و زمین خلع سلاح پاسدارانها ، آفسری را که مخواسنه مقاومت کند بقتل میسازند . آنها همچنین ماشین پاسداران را به آتش میکشند و تمامی وسائل شهرپایان را مصادره می کنند . در این درگیری یک کارگر و یک نفر دانش آموز شهید میسوند و یک نفر پاسدار و یک نفر پاسدار نیز مجروح میگرددند



#### بزرگداشت چهلمین روز شهادت کاک فواد سلطانی

در روز بیستم ۷/۱۹ ساعت ۴ بعد از ظهر سیرتظا هراسی سیداست مجلسی و رسیادت کاک فواد مخطفی سلطانی صورت گرفت . تظاهرات در قریسبان (سابلد) آغاز شد . و تظاهر کنندگان بسیار عبور از حیاسانهای اصلی شهر ساعت ۶ بعد از ظهر به حیاسان شهدا (فرج ماسن) رسیدند و مشغول شدند جمعیت تظاهرات کننده بلاکاردهائی با خود حمل میکرد کد بر روی آنها شماردهائی مانند: "سجکم باد بیونند خلفیای ایران" ، "کردستان را کور-مان بر محسنی خواهیم کرد" ، ... نوشتند شده بود . برخی از شعارهای تظاهرات کنندگان چنین بود: ایران را سراسر کردستان نمکنیم" ، "کردستان سباسب ایران سباسب خسر" "حکومت اسلامی فدای سرمایه دار ، پاسدار فاشیستی حامی سرمایه دار" ، "چمران آمر - مکاشی اعدام ساید کردد" ، "چه گوارای - کردستان (۳) کاک فواد سلطانی ، برچسبدار آزادی ، عزالدین حبسینی" .

(۳) - مسلماً عده های که کاک فواد مخطفی سلطانی "شهید را" "چه گوارا" "شهید مقایسه میکنند منظورشان مداحدهداس هر دو قهرمانان است که خواست هر دو سعادت خلقها بوده است . اما از نظر منی رسوا به منس چه گوارا که معتقد به خط منی احرافی چریکی است تا خود اذسلطانی که منتقد به خط منی مبارزه مسلحانه بوده ای است تفاوت آشکار وجود دارد . اولی فکر می کرد که بدون آمادگی لازم توده های توده های چریک مینواستگاری از پیش سرمد ما دومی معتقد است که سپاه تا آمادگی لازم توده ها و ما کمک آنهاست که میتوان در عمل مسلحانه پسر علیه دشمن پیروز شد . و حواس سعادت واقعی خلق و زحمکنان در عمل ، سنها از طریق عمل به منی مبارزه مسلحانه توده ای دست می آید نه منی چریکی حد ازن توده .

#### از خبرنامه شماره ۲ سازمان انقلابی زحمتکشان

(مورخ ۵۸/۷/۱۷)

یک آری بی - جی ۷ و مقدار زیادی مهمات مصادره شد و پیشمرگان سالم به پایگاه خود بازگشتند .

۲ - در تاریخ ۵۸/۷/۷ رفقای (س. ا. - ز. ک. ا.) پایگاه " برده نشان " را پیش از اینکه به تصرف مجاهدین درآید متفجر کردند .

۳ - رفقای پیشمرگ (س. ا. ز. ک. ا.) در روز ۵۸/۷/۱۱ بدینالاستن جاده میانندوآب - بوکان طی یک حمله به خود، وی دشمن "مجاهد" را کشته و یک نفر درجه دار را دستگیر کردند و پس از مصادره یک دستگاه ماشین سیمرغ و تعداد ۴ قبضه و ۳ - ۴ مقادیری فشنگ سالم به پایگاه بازگشتند . در شب هسان روز پیشمرگان (س. ا. ز. ک. ا.) جاده مهاباد - میانندوآب را بسته و نرد درجه دار را دستگیر کردند .

#### کردستان ایران

۱ - رفقای پیشمرگ " سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران ، پس از اطلاع از اعزام یک ستون از نیروهای دشمن از طریق جاده بانه - سردشت در تاریخ ۵۸/۷/۱۳ کنترل این جاده را در دست گرفتند و با نزدیک شدن این ستون در روز ۵۸/۷/۱۵ جاده رامین - گذاری کردند . متأسفانه مین ها بطول نقص فنی عمل نکردند و در نتیجه درگیری شروع شد . پیشمرگان (س. ا. ز. ک. ا.) در این نبرد قهرمانانه که ۸ ساعت بطول انجامید ، همراه با عده ای از پیشمرگان که در جریان جنگ به کمک آنها آمده بودند ، نیروهای ۸۰ نفره دشمن را تارو مار کردند . در جریان این نبرد درگیری ۶۴ تن از مجاهدان کشته و ۱۱ تن دیگر دستگیر شدند و همچنین ۴ قبضه مسلسل کالیبر ۵۰ ، یک خمپاره انداز ۶۰ میلیمتری ۳ تیربار و ۳ - ۴ قبضه فشنگ و ۳ -

# پیکار

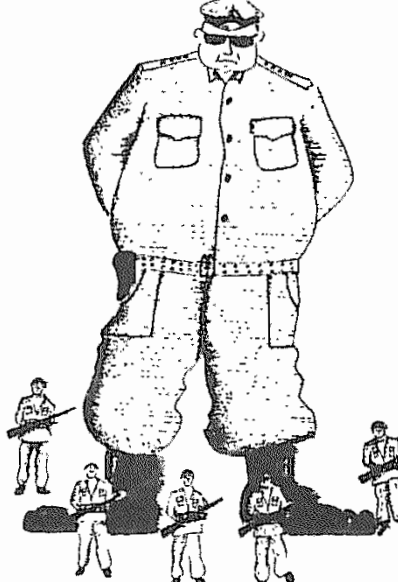
## اوبسی های جدید سخن می گویند!

نقد دید آسکار خلق کرد توسط لشکر ۶۴ ارومیه

روزنامه اطلاعات مورخ ۵۸/۷/۱۷  
اطلاعاتی از طرف لشکر ۶۴ آذربایجان غربی درج شده است که تا آن نوحه سسار می باشد، محتوای این "اطلاعیه" در عین آنکه ما هیست مدخلی رژیم حاکم و ارتش "ملی" اسلامی اش را نشان می دهد، بنا بر صفت و روسی و استیصال آن در مقابل ما خلق ستمدیده و قهرمان کرد سر می باشد. "اطلاعیه" در آغاز، بیسمسار "دستانه" و "برادرانه"، "اهالی غنصور و میهن پرست کرد" را مورد خطاب قرار می دهد تا زمینه را برای بیان "احاطه خطی" آسما ده سازد. و در امتداد همین زمینه "خوبی" و "طیحه شرعی و مذهبی"، "سکونت خیری" و "فرمان امام خمینی" منتشر می شود تا با سوء استفاده از آگاهی و احساسات مذهبی توده ها، اذهان آنان را مشوش کرده و از آنجا در جهت اهداف پست و پلید رژیم حاکم بهره گیری. "اطلاعیه" بعد از این مقدمه جنبی و زمینه سازی خود همان "همکاری" را ارتش و زندان را می گوید که مستعد است برای "رفاه" اهالی و "اعتماد" سسار می کند (لاشعنا حماننا لمن هم حاکم لشکر ۶۴ خیرینده می باشد) می شود. همکاری ای که عیوسله، امام خمینی هم فرغان داده شده ولی بلافاصله این پیشنهاد و خواهش تبدیل به یک دستور العمل صریح و قطعی منقش می شود که "با بددیده حال دست بر او همکاری مسوی برادران نظامی در ارتش و "اطلاعیه" با این "دستور" پایان نمی یابد بلکه آغاز می شود و تمام مطالبی که تا اینجا در "اطلاعیه" آمده است، خود مقدمه ای می شود برای مطالب سدی که متن اطلاعیه را تشکیل می دهد. متن "اطلاعیه" پس از مقدمه ای که ذکرش رفت چنین شروع می شود! "ارتش به کلیه اهالی آبادی های منطقه آذربایجان غربی اکیداً اعلام می دارد، چنانکه افراد انقلابی و اشترار و مزدوران حزب منحل، دموکرات را پنا ده دهند و یا با آنان به هر نحوی همکاری و یا در مقابل آنان بی تفاوت باشند و یا خلافکاران و اشترار در حوالی آبادی آنان به اعمال گروگان گیری دست نزنند و همکاری اهالی با آنان منتهی باشد، بقینا بدانند با خود اهالی آن مانند افراد حزب منحل، انقلابیون رفتار نخواهند کرد، لذا بکلیه اهالی حاکم می کند، برای این که حسن و حال خانواده شما از گزند اشترار و وطن فروشان در امان باشد باید در همه حال دست برداری و همکاری بسوی برادران نظامی دراز کنیم. ارتش به نزدیکترین مکان ارتش و یا کارخانه های آبادی های منطقه آذربایجان غربی اکیداً اعلام می دارد چنانکه افراد انقلابی و اشترار و مزدوران حزب منحل دموکرات را پنا ده دهند و یا با آنان به هر نحوی همکاری

سست در مقابل سم حماران سرعظیم و تکریم فرود آورد. اما لاف مده گوئی ار عدم غبطت کافی سپید ما را می شده اند اما ه میکند که "همکاری" با آنان به "هرجوری" مسوع است. و با این تا کند به کمان خود تمام راهها را روی سوده ها بسته است تا ارجا میان و مذاقین راستین خود حیات و شناسائی نکند، ولی ارتجاع ارتجاع خدا سنا توده های سلیبونی طرف است (توده های که بنا بر یکی یک رژیم دیکتاتوری را سرنگون کرده اند) و آنها با این سهددها ارتجاع رسمی روی سندنندت حتمکین شده "صدان" فرجه "مبرود و مبلاتش می کند تا چاره ای بسازند. لکن سازم می چاره ای جز غلبت سرکردن شهیدش ندارد. اینست که این بار با اهالی منطقه را از "بی تفاوت بودن" و یا در مقابل آنان بی تفاوت باشند و یا خلافکاران و اشترار در حوالی آبادی آنان در چاره خود و میهن پرست و خواران ها و گذرگه ها ایجاد راه بندهان نموده معال گروگان گیری دست جز منحل و همکاری اهالی با آنان منتهی باشد، بقینا بدانند با خود اهالی آن مانند افراد حزب منحل، دموکرات و ضد انقلابیون رفتار نخواهند کرد، لذا بکلیه اهالی حاکم می کند، برای این که حسن و حال خانواده شما از گزند اشترار و وطن فروشان در امان باشد باید در همه حال دست برداری و همکاری بسوی برادران نظامی دراز کنیم. ارتش به نزدیکترین مکان ارتش و یا کارخانه های آبادی های منطقه آذربایجان غربی اکیداً اعلام می دارد چنانکه افراد انقلابی و اشترار و مزدوران حزب منحل دموکرات را پنا ده دهند و یا با آنان به هر نحوی همکاری

در مقابل انقلابیون سرسرخ در می دارد سی - شرماسه آرتان سی خواهد که: "سلسبور خلوکسری از هرگونه انتقادات و اعمال حرامه کاری در منطقه با ارتش همکاری و با مراجعه به نزدیکترین مکان ارتش و سازنده رسمی ما مورس را ارتجاع نوم و نوطله مدخلی آسان (سعی انقلابیون) با حراسارند". و از اهالی می خواهد که برای ارتش مدخلی ویر علیه انقلابیون حاسوی و حرجیسی کنند و فقیحه تراپی که حفظ عمل آسان، نه تنها منطقه مسکونی شان، بلکه باید "حوالی آسانی" را بر سر برگرداند! اما "اطلاعیه" هنوز پایان نیامده بلکه تا اینجا و طایف اهالی منطقه آذربایجان غربی را معین کرده است. اطلاعیه با مقدمه ای و منشی "اوبسی" گونه آغاز شده و ادامه یافته و در این میان و طایفی برای اهالی منطقه آذربایجان غربی معین کرده. ولی... ولی اگر ایمن "اهالی" که با پوست و گوشت خود ما حیت مدخلی جمهوری اسلامی را درک کرده اند، و بوجوسی مسهودگی و عده های را در ک کرده اند، و بوجوسی را در پنا هتند، بخواهند که از این "و طایف" و "دستورات" سرچی کنند و آنها را به رشحتد و استهزا بگیرند، تکلیف شرعی "حسنت؟" اطلاعیه "با صراحت تمام با قاطعیت" اعلام می کند که کسانی که اس دستورات را بکار صدند و از این "و طایف" تخلف کنند "بقینا" بداد سنا حود اهالی آن حدود (ونه حتی همکاری کنندگان و بی تفاوت "فالمیکه" اهالی آن حدود" - کویا فرمانده حاکمیت را می که قریب ۷۰ برادر اهالی دهکده نارما را قتل عام کرده سسار می گوید) مانند افراد حزب منحل دموکرات و معاد انقلابیون رفتار خواهد شد" و هسولطان ما سحوسی سنا سنده که امروز به بیانه صد انقلابی بودن حکومت بهترین فرزندان خلق را به حوصه اعدام می سیرند و حتی از افراد مرسی و معدومینی که ما کمترین کج گرفته شده است هم میکند... بالاخره "اطلاعیه" با بیان می پدید، ولی علیرغم تهدیدهای فاشیستی که در اطلاعیه آمده است و لشکر ۶۴ هم "عاقبتان" و "خالصانه" در اجرای آن کوشا خواهد بود، فرمانده لشکر ۶۴ محبوب بازرس گان نخست وزیر منصوب آیت الله خمینی، بهیچ وجه آرا من ندارد و آسوده خاطر نیست. زیرا که او و امثال او خوب میدانند، بر خلاف تبلیغات را دیوتلو بیزیون و رسانه های گروهی دست نشانده و مزدور، که وانمود می کنند ارتش و با سداران برای سرکوب عوام مسل با لیزمان و صهیونسم... تلاش می کنند، این مردم هستند که در مقابل ارتش و با سداران ضد انقلاب قرار دارند و اسن توده های زحمتکش خلق کرد و انقلابیون هستند که جان بر کف برای احقاق حقوق اولیه خود میزنند و به همین دلیل هم سسار و همبالیکی هایش حق دارند که علیرغم ما در کردن اطلاعیه های غلط و شاد آسوده خاطر نباشند. حق ندارد ؟



## ارتجاع رسوا میشود، صحت افشاگری های کمونیستهای واقعی بیشتر روشن می گردد و سازشکاران به تکاپوی افتند!

از بدروزی کار آمدن رژیم حاکم، نیرو - های راستین طرفدار طبقه کارگر، سیاستها و عملکردهای ضدانقلابی آنها در پهنه های گوناگون، توضیح داده و افشا می نمودند. ولی با توجه به محدودیت توان و قلت امکانات نیروهای طرفدار طبقه کارگر و قدرت رژیم که در توهم توده ها ریشه داشت و نیز امکانات وسیع و گسترده تبلیغاتی آن، اکثریت توده های خلق از حقیقت واقعاتی که در میهن مان می گذشت و توسط نیروهای انقلابی و مترقی بازرگ می شد، با خبر نمی شدند (به ویژه بعد از توقیف مطبوعات مترقی) و یا اگر با خبر می شدند با تحریفات و توجیها تی که از طرف ارتجاع حاکم درباره آنها می شد، آنها را باور نمی کردند ولی از آنجا شیکه نمی توان همیشه بر دروغ و نیرنگ و ناآگاهی و توهم توده ها تکیه زد و از آنجا شیکه سرانجام دروغ و نیرنگ دروغگویان و نیرنگ بزان بر ملا می شود توهم توده ها فرو می ریزد، اکنون بسیاری از سیاست های فریبکارانه و ارتجاعی رژیم برای توده های کوتاه چندی پیش به رژیم ایمان و اعتقاد داشتند روشن شده است و از همسرو هم اعتماد سابق به بی اعتمادی، خشم و کینه نسبت به قدرت حاکم و سردمداران رژیم بدل گشته است. امروز بسیاری از مردم می بینند مسائل را که انقلابیون راستین مطرح می کردند، مانند کمک رژیم به متوکلان و مسلح آنها بر علیه دهقانان تخریب گشت دهقانان و سوزاندن خرمنهای آنان توسط متوکلان (که مگر زنا جوانمردانه ای به نیروهای انقلابی چه نسبت داده می شد)، حمایت و پشتیبانی کامل رژیم از سرمایه داران زالوشت در مقابل کارگران ستمدیده و قهرمان مساعدت و همراهی مترجمین و جاسوسان در کردستان بر علیه خلق دلاور کرد و سرکوب حاشانه این خلق رشید، سازش و مصالحات با امپریالیسم و سوزنه با امپریالیسم آمریکا و تلاش در تحکیم نفوذ وی .... موهبه مو حقیقت دارد. بطوریکه حتی خود قدرتمندان هم به انحاء گوناگون و با انگیزه های مختلف مجبور به اذعان بدانها می شوند. مثلا در مورد کردستان منظور مستمرا از طرف نیروهای انقلابی مارکسیست - لنینیست برای توده ها و واقعات توضیح داده شد و علل موجود آمدن جنگ تحمیلی به خلق کرد سرسی گردید. آنها صراحت بیسان می کردند که "خلق کرد خود مختاری می خواهدند جنگ". خلق کرد تحریه طلب نیست، جنگ افزوز - ان و حنا ستکاران نیروهای انقلابی و توده های خلق کرد ننسند بلکه فتوکلانها، سران ارتش مزدور و نا هتاهای ارمسل طهریزاد (تیمسار محبوب سخت و سرمنصب آقای خمینی) و مترجمی چون حمراسا هستند. اس خلق کرد نسبت که به کشتار و خورسری دست زده است. خلق کرد خود مورد تجاوز و زورگشتار و وحشیانه قرار گرفته و مرتجعین کوردل حتی به قتل عام گروهی آن دست زده اند. اما پرده فریب وریا به کمک سوهای سلیغاتی رژیم و با سوا استفاده از ناآگاهی و احساسات مذهبی توده ها مانع از

روشن شدن واقعات برای اکثریت توده ها می شد. و آنان را با دروغهای بزرگ و وقیحانه (مانند در محاصره قرار گرفتن زنهای در سنندج توسط اشرا ر که توسط خود ایت الله خمینی اعلام شد) به جنگ خلق کرد می فرستادند که در راه منافع امپریالیسم و ارتجاع بکشند و یا کشته شوند. ولی اکنون رژیم خسته و خشمگین از مقاومت دلاوران خلق کرد و افشای مستمر جاسایتن توسط نیروهای انقلابی مارکسیست - لنینیست مجبور شده است صحت از راه حل سیاسی بعیان آورد (رژیمی که تا دیروز از "پاک شدن کردستان و "حتم غائله" کردستان سخن می گفت)

کشته شده اند و دهات را غارت کرده و آتش کشیده اند و استوار گلر می در گویا گو ۵ نفر کشته و این در اثر بی لیاقتی با حیات و توطئه فرماندهان زاندارمری اریکو و محرک احساسات ضد کردی و سید ارشدن روح اسفا محوشی سرمد کردهای معمول است. متاسفانه با اینکه عاملین این کشتار شناخته شده اند به علت حمایت طهریزاد از عمده بین محلی امکان دستگیری و مجازاتشان نیست.

۴- در قده و حومه و بلکه در سراسر کردستان و آذربایجان عری یکی اوعامل حسک و خورسری وجود ملائمتها های ساواکی یا متعصب و ضد کردی و فتوکلانهای مسلح است که توسط ارتش و زاندارمری مسلح شده اند. .... (البته اگر آقای بهادران نمی توانستند اسم ببرند، ما

- اعتماد بسیاری از مردم به بی اعتمادی و خشم نسبت به رژیم مبدل شده است.
- رویزیونیستهای خائن با افشاء شدن این سند نیز، در صد پویشا نندن ما هیت رژیم هستند.

و دلیل من سستی که رژیم در آن گیر کرده است حامیان و نمابندگان روش بس آن به تلاش افشاده است تا بلکه رژیم را از این سن بسست نجات دهند، در اس راه آنها گوشه ای از جنایات باندهای مختلف رژیم را افشا می کنند. تا بلکه سردمداران حکومت را سر عقل آورند، که پیش از این منافع در ارمند خود را به خطر نیا ندانند. ما در اینجا توجه شما را به محشی از گزارش آقای بهادران معاشده "امام" ایت الله منتظری (ایشان بدستور شما می امام و دستور گشتی زایت. الله منتظری به آن مسافرت فرشته بودند) که ۲۵ روز در کردستان و آذربایجان غری تحقیق و بررسی کرده است، بدون هیچگونه تفسیر و توضیحی به نقل از "امداد" بسست و ششم مهر ماه می آوریم:

۱- معنی ارادانه و شواهد درست است که در کردستان و آذربایجان عری یک توطئه - مرموز در جریان است بر اساس فتوکلانها و بالکیبی که در رژیم گذشته عامل اجرائی شاه در منطقه بوده اند توسط امراء و طهریزاد آقای دکتر چمران و تیمسار طهریزاد میرا بدیه، لشکر ۶۴، سرهنگ شپاربان و سایر فرماندهان ارتشی و زاندارمری تا بسیدان مسلح شده اند و در سراسر مردم مستضعف که سالان ریاد است ارمس فتوکلانها ر حرکتیده اند تصفا قرار می گیرند.

۲- معنی عناصر ارتشی ما در فرماندهان معلی کردستان و آذربایجان عری و با و ۰۰۰ روح حمومت و عقده راسس ترک و کرد منطقه چنان بحریک کرده اند که برای همیشه ساقی خواهد ماند. .... همس عامل باعث سیراری مردم نیگیا ارحمهوری اسلامی و سیدی بی به تما گشته که در نتیجه مردم بسوی دموکراتها سوق داده می شود.

۳- ما تحقیقاتی معمل که گزارشات و سوار - های موجود خوا سردان استخدامی زاندارمری و محاهدماهای بعد تحت سرپرستی آقای ممبودی و سرگرد محمی در بارها ارسواغ سفده حداقل ۴۵ نفر را بدوین گاه فعل عام کرده و در محل سکونت آنها و بعد اکنه ها را در ساسانها انتقال داده اند که و این سوا بسید در جنگ

اسمش را می گوئیم: ملاحظی جلاد در ارومیه، شیخ کزک در پیرانشهر، ....

چگونه رویزیونیستهای خائن بر جنایات رژیم پرده می افکنند؟

این اساد عطف ما هیت رژیم و سردمداران آنرا رسوا نمیکند، بلکه سما می کسای را که تلاش می کنند عاملین اصلی این جنایات و از دید توده ها بنهان نگه دارند و با تنوعی برده پوشی کرده و با سا سکوت خود در مقابل این فجایع عملا قصابی خلق کرد را تأیید می کنند، شرافشا می سازد. آری همه اینها را نیز رسوا می کنند.

رویزیونیستهای توده ای که بنا بر ما هیت خاشانه خود، تا بحال تلاش کرده اند بر جنایات رژیم پرده بسا فکند و از معرفی عاملین اصلی جنگ افزوز در کردستان - همانند سارینقا ط - خودداری کنند. در اینجا بسید دست از پرده پوشی بر نمی دارند. آنها حتی در مورد همین سند بسالا نیز نهایت چاکرمنشی خود را به ارتجاع و سردمداران رژیم کنونی نشان می دهند. آنها در حالیکه در مردم مورخه ۵۸/۷/۲۶ هاین سند اشاره می کنند و آنرا "خیرت آور" می مانند، در حالیکه این سند به برای خلق کرد و به برای نیروهای کمونیست حیرت آور نبوده و بسبب چرا که آنها بارها خود بسش از این در مورد چمران ها و مسلح کردن فتوکلانهای محلی و ... سخن گفته اند. حیات بسشگان توده ای الافامله برای اینکه قدر سمدان را از خود سر بچاند، می گویند "ما روی افراد اشان ان گشت بسی کذا رسم" که منظورشان چمران آتش افزوز و قناب، طهریزادها و حسنیها و معبودی های جلاد ... است (ولی روی کس ... صد در صد تصنعی محساری کردستان انگشت می گذاریم!" ما می گوئیم مگر که ما چرا ی کردستان چیست؟ چرا بس است که خلق کرد حق تصعن سروشت می خواهد و رژیم به فقط این حق را به رسمیت نمی شاند بلکه بد کردستان لشکر کشی می کند سارینغد حلسن

است که دست به این جنابات می‌زند، آری آنها را آنجا که قادر به درک اسواقیات نیستند، حتی مرزهای خود را نیز با هیئت حاکمه مخدوش می‌آیند، تا چه رسد به مرزهای طبقاتی که بیس زحمتکشان و خلقها از یکطرف و قدرت حاکمه از طرف دیگر وجود دارد.

ما سوال می‌کنیم این "دست راستیها" که شما از آن صحبت می‌کنید چه کسانی هستند؟ آیا سازرگان که تلاتن او برای تحکیم مواضع سرمایه - داری و بسته سرهمگان روش است و بخش خصوصی (یعنی سرمایه داران بزرگ و وابسته) را مظلوم! می‌باید، به کشتار خلق کرده به دست چمران ها امتحان می‌کند، کارگران مبارز و حق طلب را ضداً انقلابی می‌داند، دهقانانی را که زمین داران را از زمین هائی که بر روی

مراحت مصلطه بطرات خود را در مورد مسائل مختلف بیان می‌کند و مسئولیت بسیاری از چیزها را منول دارد و حتی اراطراف اساسی نظیر دگتر بهشتی و دگتر بریدی و قطب راده و... که مورد نعت (با حد اقل سوطن) توده ها هستند بسا بر دهن اسم حمایت می‌کند، حاشی برای ایگوسه منطق های عوامعربانه باقی نمی‌ماند.

ما زمان ما هدین پس از مدتها سکوت در مورد نجایمی که بدست هیئت حاکمه در کردستان صورت گرفته است و پس از تقاتلای بیمارانها و باریدن گلوله ها بر سر خلق کرد و پس از نشان دادن بی اعتنائی نسبت به قتل عامهای ۷ نفر ریان و کودگان و افراد بیگناه دهکده های "فارنه" و... و عدم افشاکری در مورد اعمال آنها و بسیاری دیگر فجاجع بطیران و اسامی

کرد - یا بقول آقای حسینی "کفار" - سکنند؟ حرایب است که ما مورین سرکوب خلق کسبرد عسارتنداز: طبع بر سزا دها و سرما دها و حسلا د دیگر و سپاه پاسداران و خلقالی قصاب و در راس همه چمران؟ و حراس است که چمران پس از یک دور سرکوب طاهرا! موقعتاً امیر اسما در واقع اسداحض کل رژیم به سستی خلاصی ناپذیر، نازشت! می‌کند و آیت الله خمینی و سازرگان بدلیل ناپستی های ایشان در پیشبرد مقامه خویش به او ارتقا مقام می‌دهند و در راس ماشین سرکوب خود یعنی ارتش قرار می‌دهند؟ بنا بر این آیا این شیادی و دشمنی با توده ها نیست که روی رویست ها با گفتن اینک: "ما روی امراء و اشخاص انگشت نمی - گذاریم... تلاتن می‌کنند توده ها را از برقرار کردن ارتباط منطقی بین چمران ها و... ساکل رژیم حاکم مانع گردند؟ و نگذارند که با افشا شدن چمران ها و فرماندهان جلاد ارتش کسانسی افشا گردند که اینها را وسیله پیشبرد سیاست و ملی ضد خلقی خویش قرار داده اند (۱) و با این شیادی نیست که با وجود تمام حقایق فوق الذکر "کنه ماجرای کردستان را" صد در صد متضمنی " بنا می‌ماید تا می‌باید توده ها را افشا شدن این اسناد بی به واقعیت ببرند؟

نگاهی به مواضع

سازمان مجاهدین خلق ایران

بعضی از نیروهای خلقی سیر هستند که بنا بر مایهت طبقاتی خود و از آنجا که بدلیل فقدان قدرت سیاسی لازم بر ولتا و با حزب وی در شرایط کنونی، چشم به قدرت حاکم دوخته اند، نتوانسته اند در مورد کردستان سیاست درستی در پیش گیرند، از جمله این نیروها سازمان مجاهدین خلق است که اساساً طوری به مسائل جاری کشور برخورد می‌کند که کوشی مسازره طبقاتی حاد و پیچیده ای که امروز در جامعه ما جریان دارد، ناشی از یک "سو، تفاهم" است! آنچه منطق مجاهدین را در بسیاری جاها و در بیان این مبارزه طبقاتی تشکیل می‌دهد، این است که گویا کسانی دؤر آیت الله خمینی را گرفته اند و اجازه نمی‌دهند ایشان تصمیمات درستی بفتح توده ها بگیرند. در نتیجه "تصادفاً" کشتار خلق کرد، عرب، کارگران، صیادان انرلی و... پیش می‌آید و گویا با زاین ناشی از یک "تصادف" است که دورایشان بر شده از کسانی که مایهت برخی از آنان برای خود مجاهدین نیز تاحدی روشن است. این منطق که عاری از هر گونه پایه علمی است آدم را بیباک دستسددال عایانه و نا آگاهانه توده ها در زمان ششاه می‌اندازد که سرمدداران آگاهانه برزبانهها انداخته بودند: "شاه خوب است ولی اطرافیانش بد هستند" (۱) اما امروز توده های ما در برتسو مبارزه طبقاتی عظیمی که از سر گذرانده اند بدان حد از رشد و آگاهی رسیده اند که دیگر زسر بارانگونه منطق هانروند. از این گذشته زمانی که خود آیت الله خمینی بسا

(۱) - مادر شماره ۲، آمده بازم بمواضع حزب توده در قبال مسئله، کردستان خواهیم پرداخت.

● امروز بسیاری از مردم ما می بینند که حرفهای ما را کس نیست - لنین نیستهای

راستین درباره رژیم حاکم مویه مو درست بوده است.

● چرا سازمان مجاهدین خلق در مورد جنایات رژیم در کردستان،

سکوت میکند؟

پس از کما ره گیری آگاهانه (تجدده روزه، خویشی) از مبارزه، طبقاتی بهمانه، "اعتراض به خفان" (بقول اولین محاهد پس از انتشار در دوره جدید، گویشی دیگر خفان تمام شده است!) ولی در اصل سخا طر نجات خود را موضع گیریهای صریح و آشکار در مورد مسائل توده ها چه در کردستان و چه در مورد آنچه در سایر نقاط سر سر زحمتکشان و نیروهای انقلابی می‌آید و به خاطر اینکه در معال قدرتمندان قرار نگیرد، اخیراً سطرانی در مورد کردستان طلی تا نه ای به آیت الله خمینی مطرح کرده اند که برخورد هر چند اجمالی بدان ضروریست:

"دست راستی های "نا معلوم

وچی های معلوم!

مجاهدین در این نامه برای اینکه به خیال خود، خود را از "ش" سوالات بسیاری که از جانب توده های پر شور جوان و مبارز، که به اعتبار گذشته، مجاهدین، حول این سازمان گرد آمده اند، خلاص کنند. و برای اینکه به سوالاتی نظیر چرا سکوت می‌کنند؟ پس کجا رفت آن حمایت از خلقها و حرفها و شعارها راجع به حق تعیین سرنوشت خلق ها (از جمله خلق کرد) جواب درستی ندهند به "چپ روهای" معلوم و "دست راستی های" نا معلوم! جمله کرده اند و کوشش کرده اند چنین وانمود کنند که گویا در کنار خلق کرد فرار گرفتند و از منافع آنها دفاع و پشتیبانی کردن به "تفاهدای فرعی" "دامن زدن" محسوب میشود! آنها از آنجا که قادر به درک پیوند مبارزه ملی خلقها (واژ جمله خلق کرد) با مبارزه ضد امپریالیستی در شرایط مشخص کنونی نیستند، از آنجا که قادر به درک این واقعیت نیستند که هیئت حاکمه کنونی نه از روی "تصادف" و "سو، تفاهم" و نه در نتیجه، گزارشات غلط یا آن دست راستی لاد تا معلوم به رهبران! است که به کشتار خلق کرد پرداخته م بلکه دقیقاً بخاطر منافع طبقاتی خود و نظام سرمایه داری وابسته که لاجرم منافع امپریالیستهارا نیز در بر می‌گیرد

آن جا می‌کنند بیرون رانده اند، "قاصب" می‌آمد و به بهره های شناخته شده، امپریالیسم نظیر قره نی، فلاح، ناگر و... می‌باید، دست راستی نیست؟ و آیا این در حالی نیست که آقای بازرگان نه سمواں یک فرد بلکه بیسواں رهبر سهام شناندگان بورژوازی که در "سپت آزاد"ی کرده اند و اکنون سهم مهمی را در رأس قدرت حاکم دارند، عمل می‌کند؟ آیا بریدی ها و چمران ها و قطب زاده ها و بهشتی ها و... که در قدرت حاکمه، فعلی شریکند، دست راستی نیستند؟ و باز آیا همه آنها منتخب و مورد تأیید امام نیستند؟ و آیا این نشانگر وسیع نوع تفکر خود او هم نیست؟... و آیا لشکر کشی به کردستان و کشتار خلق عرب، سحاک و حون کشیدن کارگران و دهقانان در کارخانه ها، در روستا ها (واخیراً در سدرازل) و تشریباران فرزندان انقلابی خلق بدست کسانی غیر از پاسداران تحت فرمان "شورای انقلاب"، ارتش و مدنی قصاب و خلقالی جلا د صورت می‌گیرد؟... و اگر اینها مجموعاً قطعی را تشکیل می‌دهند که قدرت را در دست داشته و بر علیه کارگران، دهقانان، خلقها و نیروهای انقلابی عمل می‌کنند - چیزی که امپریالیسم هم می‌خواهد پس دیگر این "دست راستی های" "مجهول" کجا هستند؟ و دشمنان "مجهول" خلق کجا قایم شده اند که بیایند و بهترا ز اینان عمل کنند؟ نکند شما هم ترهات رژیم را قبول دارید که برای جنگ با پالیزبانهها و امادی اوبه کردستان لشکر کشیده است؟...

حرف زدن برای هیچ نگفتن

در جای دیگر نامه، مجاهدین به اسام آمده است: "... بی تردید ما یقین داریم که شما بر تمام ماجرا و وقوف کامل دارید... اما این ماجرا چیست؟ چرا هدین با کتند و صرفاً کلی - بافی می‌کنند، تا ملیطی طلی، "بی" ما چرا" ها و اسر جنایات چه کسانی هستند؟ مجاهدین حرفی نمی‌زنند. ما از رهبری این سازمان می‌پریم بقیه در صفحه ۱۴

### مضحکة شوراهای دولتی و حزب توده خائن

رژیم حاکم بعد از مدتی مخالف‌خواسی در مورد شوراهای، سرانجام تحت فشار توده‌ها بشمول ظاهری آن‌تن در دادگاه اس‌بار در عدل بد ننی آن بپردازد. انتخابات شوراهای شهر ما بجله هر چه تمامتر بدون اسنکه ذکر از وظایف و حدود اختیارات آن در میان باشد، سرهم‌سدی شد. اعتراض و بی-تفاوتی اکثریت زحمتکشان نسبت به اسن مضحکه جدید موضح نشان داد که توده‌ها، برخلاف نظر دستگاه حاکم کد آنها را همچون گله گوسفند محتاج به حویان ( بنا بر اصل ولایت فقیه ) می پندارد، دارای آنحسان درگی از منافع طبقاتی خود هستند که به آسانی فریب‌دوز و کلکیهای رژیم رانجورند. این حقیقت را آمار رای دهندگان در شهرهای مختلف بخوبی نشان میدهد. بعنوان مثال در شهر رشت با قریب ۳۵۰ هزار نفر جمعیت تنها ۳۰۰۰ رای داده شده است! شهرهای دیگر نیز وضعی بهتر از این نداشتند.

در واقع این شکست سختی بود برای رژیم که با پیش کشیدن مزورانه طرح شوراهای تبلیغاتی که حول آن پیراه انداخته بسوسد، هدفهای معینی را دنبال میکرد. و اما این هدفها چه بود؟ رژیم میخواست :

- با قبول ظاهری شوراهای فاسد آنکه خود را حامی آنها معرفی کنند، ما خالی کردن شوراهای مورد نظر زحمتکشان از محتسبای واقعشان آنها را به ابزاری در دست خود تبدیل نماید. (۸)
- خواست عا دلانہ خلقها- حق خودمختاری- را با قرار دادن شوراهای فرمایشی در مناسبت آن لوث نماید .
- سرانجام هواداران نظام شورائی (که هم کارگران و دهقانان و هم قشار متوسط جامعه را ولوبا استتباطات مختلف از شوراهای دربر میگيرد) خلق سلاح نموده و خود را از زیر فشار توده ها برهانند.

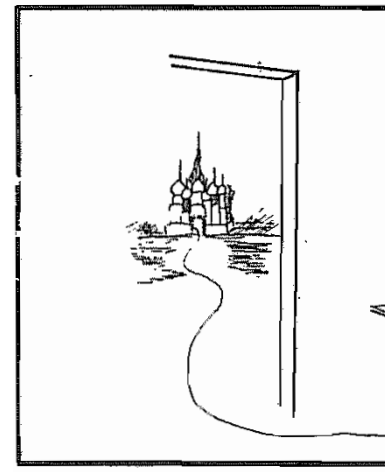
سازمان ما در اعلامیه ۱۶ مه‌ماه خود بدرسستی، این شوراهای دولتی را " حرسه نویبی " برای " قریب " مردم ارزیابی نمود که ارتجاع بدان توسل حسته است. در همان اعلامیه آمده است :

" کمونیستها، باید با وسیعترین تکلی دست به فعالیت افشاگرانه در ساره ماهیست این شوراهای را و اهداف رژیم از پیش کشیدن آنها و شرایطی که این اسحات در متی آن صورت منگیرد و... در مان نموده‌ها

(۸) - رژیم در این زمینه، قتل از اسین سیز استعداد دشمنی! ارجوح نشان داده است. اوبا متلاشی کردن شوراهای خلقی در کردستان، در روستاها، در کارخانه‌ها و ادارات و ارتش، همچس نیی ساختن " کمیته‌های اسام " از همان ظرفیت محدود انقلابی جویب در ابشدهای کار دشمنی خود را با هرگونه شورای خلقی نشان داده است .

وظایف " شوراهای " بیان دشگری از ماهیست ارتجاعی رژیم حاکمه است. چرا که اینان آنچنان از مردم زحمتکش ما بیگانه‌اند، و آنچنان نسبت به زحمتکشان ما بی‌اعتنا هستند که اساساً لزومی نمی سنسد که آنها بگویند این " شورا " از نظر ما یعنی چه ؟ اعلام نگردن محتوای شوراهای برای توده‌ها، بیسن ماهیت ارتجاعی این شوراهای سبز هست، چه رژیم چنین میپنداشت بدون اعلام ماهیست ارتجاعی این شوراهای بهتر میتواند توده‌ها را بیبای سندوقهای رای یکشدها زمانی که توده‌ها از ماهیت واقعی این شوراهای باخسر باشند. اما روبروی سستی‌های حزب توده در چنین انتخاباتی شرکت کردند. آنها از رو - ساهای شرکت در فرسادوم گذاش، کسه امروز دیگر با هسان برای بسیاری از توده‌های ساده شرکت کننده اش نیز روشن شده است. فقط این را یاد گرفته‌اند که برای خالی نمودن عریضه بگویند "... چگونه مردم میتوانند در انتخاباتی شرکت کنند که حدود اختسارات و وظایف ارکانهای انتخاب شده آن، هنوز مشخص نیست ؟ ... " ( اعلامیه ۷ مه‌ماه روبروی سستی‌های توده‌ای)

اما تنها ۵ روز بعد زمانی که مجبور بودند مریحانه ارتجاع حاکم پاسخ دهند، شیوه قلبی خود را نگار گرفتند. آنها ابتدا، حدود اختسارات ابده‌آلی را برای شوراهای تصور کرده و آنگاه چون کسکی سر در زیر برف کردند و گفتند " ما با چنین اصولی و با چنین برنای در انتخابات شوراهای شهر شرکت می کشم ! " ( اعلامیه ۱۲ مه‌ماه گمنده مرکزی روبروی سستی‌های حزب توده )



بزنسدو ما آگاهاسدن آسبا از سقن وماهس شوراهای واقعی، اهداف سوده کراسه و فریبکارانه هیئت حاکمه را در سنگاه توده‌ها آشکار ما ساند.

همانطور که دیدم سوطه کران و فریب-کاران با جواب‌دندان نکسی ارحاب سوده‌ها مواجه شده و هر چه بیشتر مفتخ شدند. تا آنجا که خود سز بدان اعتراف کرده‌سد. صباغیان پس از اتمام اسحات اعلام کرد که : "... اسسبیل مردم از شوراهای رفایت بخش نیوسد " اسن عکس العمل توده‌ها، در واقع جوامی نیز بوده ساره سراسنای حزب توده و هرچه بیشتر سی آبرو شدش.

حزب توده که طبع سست در سبدهاش شیعه امکانات موجود بوده و در " تمیین روش خود از واقعه‌ای تا واقعه دیگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز " ( لنس )، همچون دیگر روبروی سستی‌ها " مچارت " ویزدای دارد، همدا با هیئت خاکفد به تبلیغ شوراهای فرمایشی پرداخته و فعالانه در آن شرکت نمود این خائسین-به طبقه کارگر، که همگامی خود را با ارتجاع حاکم در پوشش الساط مارکسیستی شوحه و " شورسده " نموده به مشاطه‌گری میپردازد. برای حیط خود ارسح خیاباتی روبرگردان سوده و همچنان تا سدهای تمام عوامفریبی میکنند. آنها در سوحدها رلاتانیم خود چه در مورد فرسادوم گذاش و چه در مورد اسحات شوراهای از روس واحدی پیروی کردند. اسدها جمهوری اسلامی را که محتوایش برای احدی ساخته سوسد، با برنده‌هایی از گفته‌های خمسی در اینجا و آنجا، " تعریف " کرده و سپس به آن چیزی که خود ساخته و پرداخته بودند و گویا جمهوری اسلامی سسز همان بود، رای مشت داده‌سد ! آنها مشابه این سیاست خائسانه را در مورد شوراهای شهر نیز بکار گرفتند.

آنها در انتخاباتی شرکت کردند که اساساً محتوای وظایف موضح اسحات یعنی " شوراها " ما مشخص بود ! تا مشخص بود ن





گرامی باد خاطره رفیق شهید

سیمین جوری

" ای مرعیه‌ی طوفان !

پروازتان بلند  
آرامش کلوله، سرب‌ی را  
در خون جوشن  
اسکوه عاشقانه زعفران  
اینگونه مهربان  
ز آن سوی حواب مرداب

(م. سرشک)

در احام و طایفه‌ی که خطرات سخت نظیر درگیری با دسی و با اسارت و شکنجه و مرگ را در پی داشت، برای رفقای که او را می شناختند آموخته بود.

در آن روزهای دشوار که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه حاشی‌نویس ددمتشی و کسبه طبقاتی حویش را علیه رحمتکشان میهن ما اعمال میکرد و وحسانه هرعدای مخالفی را در کلو حقه میبوسید، میوه حسان انقلاب که امروز قسمت خون در غمیدن صدها هزار س از رحمتکشان میهنی ماه قدرت رسیده‌اند سر در لاک خود ترو برده سارشی با رژیم‌شاه را وطیعه شرعی با ملی منموردند و امروز بیشترانه متکر بارره سروهای چپ و کموسیت با رژیم شاه میبوسید. اما بوده - های آگاه و اندلای ما بخوبی میداند که " جورشد را سا کل سمنوان اندود ! " - باد رنق سمن جوری و دیگر رفقای که در راه رهائی رحمتکشان و سحق آرمسان انقلابی طنه کارگر خان باحسد با نوظنه کارگران بورژوازی و امپریالیسم را خاظر جنبش‌های ما رزده بجوادند. سالیورسندادت او را گرامی داشته، سحق آرووی آرماسی قطع کامل سلطه امپریالیسم و سانسودی استعمار و رهائی طبعه کارگر را تا آخری سمن ادا ما جوامم داد.

داشته باشد اقدام کرد تا برای حرکت آینه رمنه ایجاد و تکامل تشکیلات فراهم شود. " با توضیح بالا این جمله که در پیکار ۲۴ آمده است: "... بهمن درما زماندهسی مبارزات مردم میوان ..... که ارتش را وادار به عقب‌نشینی کرد ..... " تصحیح مسود.

۲- تاریخ دستگیری رفقا بهمن و دیگرش رشود، سکنسه ۵/۲۸ اسف. نه ۶/۱۷ ومحل دستگیری آنان سر روانسرات نه خوری قلعه ساریج شهادت آنان سبز ۵/۲۵ است نه ۶/۲۵

★ ★ ★

در پیکار ۲۲ خبری اراطل آمده بود که سادرتی هاسی رادرسدانته ونمورت زسر تصحیح می شود: سعاده داسی آرمواسی که آرماسیشت - نام سده دومر سوده واس دریک مدرسه، راهسانی اشای اماده وسه دردسیرسان .

آوازتان بلند ! " ۲۵ مهر ۱۳۵۵ سکی دیگر از انقلابیون پاکساز راه رهائی طبقه کارگر، طی یک درگیری مسلحانه نابرابر بسویله رگسار کلوله‌های ساواک به خون خود در غلتید واز ادامه مبارزه‌ای که چندیس سال، با شور و استقامت دنبال کرده بود، بازماند. رفیق شهید سیمین تاج جوری، روشنگر انقلابی‌ای که سمتوانست دربراسر اسارت‌شده‌های رحمتکشان خلق، سکوت کند، سمتوانست بورژوازی وابسته با امپریالیسم و در راس آن رژیم شاه حاش را در غارت و مکیدن خون زحمکسان میهنی بطاره کندوماندند سبازی ار مدسان انقلابیگری امروز به توحیه بی عملی خود سردارد، روت‌نگر انقلابی و جسورتری، که راه سنجاب رحمتکشان را در برسو حیای سبی مارکسم - لنینسم و مدرب دستهای بر توان طبقه کارگر میروان و دیگر رحمتکسان میهنی مانافسه خودی پروا ار هر خطری، مبارزه محفی و انقلابی خود را در سخن سمسار سارمان محاهدی خلق ایران دنبال میکرد. رمنی منلاً منطسی رحمتکشان بود و در سارمان به مبارزه انقلابی ادا مداده و در دست سسکی فعالیت میکرد. حرکت و سوری که رمنی در احام و طاسف حائمر سارماسی ار خود نشان میداد، دعاکاری و حل بودن او در سنگیلات و بهینقدم بودن او

توضیح و تصحیح

در مقاله ان که در باره شهادت رمنی سیمین عرسی در پیکار ۲۲ درج شده بوداشما - هاشی وجود داشت که سمن بورس سسراوان ار خوانسداکان، پیکار، ساسی سسبب تصحیح مستود ۱- محل تولد سیمین محله علاءاحسانه، کرمانشاه است، نه روسای الانامه. ۲- سیمین که در کارماران معلم بود در جلوگیری از حرکت بانگنای ارمسان ار طریقی کامیاران به میروان، نه حرکتی توده ای اعتقاد داشت و در سراسر عده ای که معتقد بودند ساند مردم مسلطانه سسا ساسکیا بجنگد سسگف: " عمل مسلطانه رودرسانت و باعث سلبات مردم و برس آرماسی ار مبارزه ما سراسر و سباده ای سسرای ارتجاع مسود. ساند بصورت عملی توده ای که حسه آموزندگی و درس گیری برای مسردم

و دیگر منطبق عامانه و عوامفرسانسند " خواهی بشوی رسوا، همبرگ حمانسبو " این روپزوسسسیا، که در زمان رفتار سوم عنوان میکردند، سر خوردی سادردو در اس خاست که دشمنی آشکارو سی برده این دارو دسته روپزوسبیت با برولتاریا و ساسامی زحمتکشان بیشتر معلوم میشود. و اکثرست زحمتکشان مانیز با امتناع از شرکت در انتخابات شوراها مشت محکمی برده‌ان اسن مشاطه‌گران بورژوازی منگوسد. اما تمام مسئله بدینجا حاتمهمیساند، بلکه مسئله اساسی تر این است که هدف حزب توده از شرکت در انتخابات شوراها (واسا ساً هر نوع انتخاباتی که رژیم سراه میاندازد) چیست؟ و این هدف چه تفاوتی با مشسی و سیاست و هدف واقعی کمونسیتها از شرکت در چند انتخاباتی دارد؟ در این مورد ما در ۱۶ مه‌رمه خود متذکر شدیم:

" بطور کلی لازم متذکر است که کمونسیتها هیچگاه سناظر ماهیت دستکاهای بورژوازی که دولت‌های ضد خلقی به آنها اجازه فعالیت میدهند، ار شرکت در آنها امتناع نمی کنند. کمونسیتها در هر جایی که توده‌ها هستند همواره ساسی حضورداشته باشند و از سسروس همان دستکاهها ماهیت دولت بورژوازی را برای توده‌ها اشاکسد. بطورنمونه سمنوان از اشکانات مجلس - خبرگان نام برده‌ما سر علیرغم آگاهسی بر ماهیت ارتجاعی آن و تسلع و تروج در این زمینه، نه شرکت در آن اقدام کردسم تا از اسن طریقی سر به توده‌ها نشان دهسم که بورژوازی قادر نه با سسکوئی به خواست های آنها سواهد بود."

اما شرکت روپزوسسسیا سسرت شده در انتخابات شوراها از اسن اصل کمونسیتسی طبیعت نمی کند. آنها آسمنان در سسجالات روپزوسبیت در عمل شده‌اند که سسببی ترسی احکام مارکسم - لنینسم را سسریا می - گذارند. آنها در اشکانات سسجارت سسکسان شرکت می کنند، اما به منظور اشکای شکل و محتوای این مجلس برای توده‌ها، بلکه برای بدست آوردن فرصتی سناظرما سسردن سسارتجاع آنها در اشکانات شورای شهر شرکت میکنند تا از سسراتی اشکای آنها و آموزش دادن به توده‌ها ار اسن طریق، بلکه برای بدست آوردن سیمی در این شورا سسریا همکاری با ارتجاع حاکم، سسمن خیلان اسسکداتان معتقدند که " سمنوان در هسان سدی (در کدام حد ؟!) که میکن اسسنا سسبتگان و انسی مردم را به شوراها سسراد " آزی سسطنه از سسظر این روپزوسسسیا سسرا رفقتن در شوراها و اشکال تک سسندلی برای سسکازی با سسنت - حاکم اسسوس، اما رما سسبکه ز سسکسان ما این مجال را اسسمنتاع ارتشکسدر، سسجاسات از روپزوسسسیا سسگریده آسنان، اصلاح سسلاح میکنند. ■



بقیه از صفحه ۱۶

### جنبش گاوگری

کلاشنگک روسی، ژ-۳ آلمانی و کلت آمریکائی سه کارخانه یورش آوردند و در اطراف کارخانه آماده، تلیک، سگریندی کردند و ضمن فحاشی و توهین به ما موس و شرف ما کارگران، تابست کردند به ما نوکر سرمایه داران مزدور و مرتجع هستند و حاضرند برای دفاع از منافع آنان کارگرانی را به گلوله بزنند که همین چندماه پیش با قیام ما بانکوه خود تنگ بدست آنان داده اند.

پاسداران اعرامی از اینکه می دیدند ما برای چند ساعت آرامش خیال سرمایه داران عزیزشان را برهم زده ایم چنان به حشم آمده بودند که بیشتر ما را می گفتند: "وقتی که شما بیلوی زنانان خوابیده بودید و جاوید شاه می گفتید ما مبارزه می کردیم".

تف بر شما ای حاشین شما ما را با ربابان سرمایه داران عوضی گرفتید. کارفرمای مزدور ما بود که حتی سدا ز فرار شاه مزدور نیز حاضر نبود عکس تدرتاجدار "حودرا از بالای سرش بردارد."

پاسدارهای کارگرکشی که نیمه های شب (مثل سران گارد جاویدان) به کارخانه ما حمله کردند، ما پدید آمدیم که ما هیچ وقت جاوید شاه نگفته ایم و به شهادت کارگران قهرمان ایران نقش فعالی در مبارزه علیه رژیم شاه و اربابان آمریکائیان داشته ایم. کسی جاوید شاه می گفت که شما برای سرور بودن اواز کارخانه به روی ما تیراندازی کردید، ما که از شیخون پاسداران به حشم آمده بودیم فریاد زدیم که "برای بودن این مفتخوران باید از از روی نقش ما رد شود" و یکی یکی پراچی خود را تار کرده، سینه های ما را جلو لولسه، تشکهای اسرائیلی و آمریکائی پاسداران گرفتیم و فریاد زدیم: "اگر حشون را در ریست رسید بکشید ما را اما که چیزی نداریم از دست ندهیم".

پاسداران که از اس همه شجاعت و همچنین اتحاد ما کارگران هراسان شده بودند به نیرو اندازی هوشی دست زده و در همان حال عقب نشینی کردند. سمدانیم چرا نمی بیند کارگرانی که سینه خود را جلوی مسلسل آنها می بیند نمی توانند جز کمانی باشند که در روزهای انقلاب در خانه ما دیده می گفتند.

وقتی که پاسداران می خواستند دوستی از برادران ما را همراه خویش بزنند همگی یکصد فریاد برآوردیم: "ما را هم ببرید، ولی پاسداران همگی سوار ما شنبهای آخری سیستم نده و بعد ترک کارخانه را داشتند. در همان حال ما کارگران فریاد می زدیم که: "شما برادر ما نیستید بلکه برادران مفتخوران هستید" و ما مشت روی ما شس می زدیم و یکصد فریاد می گفتیم که: "همین دستهای که

اسلحه بدست شما داده، همس دستها اسلحه را از شما پس خواهد گرفت" ولی پاسداران خوشحال و راضی از انجام ما موریت کارخانه را به سرعت ترک کردند و ما نیز به جمع آوری باقی مانده پوکه های سنگ که پاسداران موفق به جمع آوری آن نشده بودند، مشغول شدیم و بعد قصد حرکت به طرف نخست وزیری را کردیم که چون دیروقت بود از این کار منصرف شدیم و برای رسیدگی به این موضوع قرار شد که تا صبح صبر کنیم. ما از همه برادران کارگر خود می پرسیم چرا برای ۶۰ نفر بابت حالی ۱۲۰ پاسدار مجبور به اسواج سلاحها و تجهیزات فرستادند؟

مرگ بر سرمایه داران وابسته!  
کارگران متحص تکنوکار

### مبارزات کارگران گروه صنعتی پارس (مینو) ادامه دارد

بمسال آخر جلسه سنا مسداران و نماینده سازمان کسرتن مالکیت صنایع که کارگران سنا دراز و بی سنا هم علم غم صمل کارفرما و سنا سده در لیل در آن شرکت کردند. (شرکت کارگران مانع از آن شد که سهام داران و سنا سده دولت سود ۱۲۰ میلیون نومی کارخانه را بدون سروصدا تقسیم کند و سنا سده کارخانه وهشت مدرسه را به دلخواه تنظیم و انتخاب کند). شورای کارخانه، جلسه ای در روز شنبه ۵۸/۶/۳۱ تشکیل داد. نمایندگان شورا پس از انجام جلسه شنبه آسرا به کارگران حسین اعلام داشتند: در جلسه شنبه قرار بر این شده است که شورا دست به شپاحمی وسع علیه کارفرما بزند. و دبیرتربش شورا انبروهایش را به ۵ گروه تقسیم نمود. قرار شد که گروه اول به دادستانی انقلاب برود، گرچه در شکایت نماینده دادستانی انقلاب، زاهدی به آنان گفته بود که وقتی حقوق شما عقب می افتد و کارخانه باز اسدگرچه لزومی دارد که در کار کارفرما دخاله کنید؟ گروه دوم به وزارت صنایع و معادن و گروه سوم به سازمان کسرتن مالکیت صنایع اعزام شدند، با اینکه آقای فرج بخش نماینده سازمان کسرتن مالکیت صنایع بطور واضحی در آخرین جلسه حمایت دولت را از کارفرما اعلام داشته بود.

گروه چهارم هم که وظیفه شان دعوت از دکتر بیجان و خبرنگار روزنامه است، تعیین شد. و گروه پنجم تهیه تراکت و اعلامیه

جهت اشای وسع کارفرما را سچیده گرفت. شورای کارگری برای اتحاد دهر چه بیشتر با کارمندان جز و دیگر کارکنان، طماستی ما شوراها ی کارمندی خوراک و پارس تشکسل داد و موافقت آنان را در جهت حمایت از خواسته ۲ ماده ای جلب کرد. دو خواسته چنین بود:

- ۱ - شرکت دو نفر از منتخبین شوراها در هیئت مدرسه .
- ۲ - تقسیم ۱۰ میلیون تومان سود سال گذشته بین کارگران که در زد و بند سیدیگای فرمایشی سابق ما کارفرما تصنع شده سود نیز دادن اختیار ۳۰ میلیون سومانای که کارفرما بابت خانه سازی به شورا اخطا می داده است.

رور دوشنبه گروههای پدگانگه گزارش کار خود را دادند که حلامه آن، چنین است: - افرادی که به دادستانی انقلاب رفته بودند در مخر دادستانی انقلاب که در زندان اوس است از سبب سله ها پدبرسته شدند دبیرتربش که مسئول امر حاضر نشدند با آنها ملاقات حضوری نگذاشتند. و میگفتند که اعطای دادستانی انقلاب وقت نداشتند و بعد از باثاری سانسدگان کارگران گفتند که از بیرون بلعن کنند. وقتی که کارگران بلعن میکنند و جریان را در مان سنگدارند، خواب می شوند که برونده شما دست آقا ی راهدی است و ایشان هم به مرخصی رفته اند و روز شنبه باز میگرددند. سانسدگان پس از سه راهیو تلوزیون سرود تا ما "حاسی مستمعین و پارسه ها" حساب قسطب زاده و ملاقات کنند و از او وصت بگیرند که در مجمع عمومی شان سحرانی کند (لا در قضا ی کارگرما اسطار داشتند که قظب زاده در سحرانی اش دفاع از حقوق آنها برخیزد و برای آنها اقدام عملی کند که اگر اسطور باشد شان دهبده اینست که رفتقای کارگرتا چه حد سسته رژیم و عناصرش دچار توهم و گمراهی اند) لکن سکرترایشان مگوید که وقت حساب تا ساعت ۱۲ شب اشغال است و شما قبلا باید وقت بگیرید ...

- افرادی که به وزارت صنایع و معادن رفتند، توانستند معاون آقای احمدزاده وریر صنایع و معادن را هنگامیکه میرفت که سوار ماشینش شود، ملاقات کنند. آخرین حرف آقای معاون این بود که شوراها باید دست نگهدارند تا از لحاظ قانونی رسمیت شناخته شود. سس آنها می توانست تا سبب درصد در هشت مدیره شرکت کند، ولی قبلا باید ممر کرد!

- افرادی که به سازمان کسرتن مالکیت صنایع رفتند از آقای فرج بخش نماینده

فان ، مسکن ، آزادی

چه خدمتوانند مسائل سیاسی و اقتصادی را درست توضیح دهد. ربا همانطور که تمام کارگران پشرو میانداند اندها و نظرات کسی چون آقای دکتر پیمان، بیاسنی و گپی به نفع و گپی به مضر است. بسیاری انشات این امر کفایت در اینجا تنها به یک مورد اشاره کنم و بحث مفصل تر را به زمانی دیگر بگذاریم:

یکی از شعارهایی که "حسین سلیمانان مبارز" به رهبری آقای دکتر پیمان، عنوان میکند، تشکیل هیئت واحد برود "استبداد"، "استعمار"، و "استثمار" است. این شعار، ظاهر سار خوبی دارد، اما رانیکه بدنشال این شعار مطرح میشود که رهبری چنین جبهه‌ای بدست آیت الله حسینی باشد، طراحان چنین شماری نشان میدهد که چه درک محدود و با قسی از استبداد، استثمار و استثمار دارد! چرا که دیگر امروز با وضوح باز هم مستتری روشن شده است که آیت الله حسینی چگونه می اندیشد و چگونه عمل میکند. امروز دیگر اینترا بسیاری از توده‌های سار درک کرده‌اند، که او بدلیل تمام وابستگی‌هایش به بازار و روحانست مشروع طلب و باند های فرصت طلب و سوء چین انقلاب نه می - تواند ضد استبداد باشد و نه ضد استعمار و نه ضد استثمار.

۱ - ضد استبداد نمی تواند باشد زیرا که عملکردهای ضد دیکراتیک، کمیته ها، با سداران و... همه و همه مورد خواست و تاشید او بوده است. ضد استبداد نمیتواند باشد، چرا که "ولایت فقیه"، این اصل شرم آور استبدادی و ارتجاعی به خواست او در مجلس حیرکان تصویب شده است. ضد - استبداد نمی تواند باشد، چرا که متلاشی کردن شوراهای واقعی کارگران بنا به گفته نامسده اش، آقای اشراقی (رجوع کنید به پیکار شماره ۵۸، گزارش سارده کارگران چوکا در گیلان) بخواست امام است و...

۲ - ضد استعمار هم نمی تواند باشد، چرا که مگر سارکاری سارگان با امیربالیسم (بقول آقای پیمان، که ما می گوئیم همدستی سارگان با امیربالیسم) دورد تاشید امام نقیه در صفحه ۱۱

سردن کار مردم به مردم و نفوس شوراها به راه سارکاری با امیربالیسم کام برمی دارد. پس آقای پیمان آقای حسن اردستانی عفو گمسته هما هنگی شورای کارگران و سپس آقای مهندس مروح مدیر مسفنی کارخانه صحبت میکنند و جلسه خاتمه می یابد.

چرا کارگران از سخنان دکتر پیمان استقبال می کنند و چرا نظرات او بیبنایی است؟

مروری بر مبارزات کارگران این کارخانه

۱ - کارگران این کارخانه در همیسن تجربه خویش بار دیگر بی بردند، که نمایندگان دولتی و ادارات مختلف دولت، حامی حه کسانی هستند، حامی کارگران، یا حامی سرمایه داران! کسانی امثال قطب زاده و دادستانی انقلاب، برای چه کسانی ارزش قائلند و وقت میگذرانند، برای سرمایه داران و مرتجعین و یا برای کارگران...! مسلماً این تحارب به کارگران کمک میکند، که دوست را از دشمن تشخیص دهند، خوش - باوریهای خود را به واقع نگرایی تبدیل کنند... اما در این راه تنها تجربه خود آنها کافی نیست بلکه با سستی میان راستین طبقه کارگر، فرزندان انقلابی طبقه کارگر که در راه بهر روزی زحمتکشان کام ببر میدارند بطور مداوم به کارگران کمک نمایند. کمک نمایند تا آنها مسائل را بطور واقعی و روشن درک کنند.

۲ - اما مسئله دیگری که در اینجا لازم میدانیم به آن بپردازیم، سخنرانی آقای پیمان، بدعوت کارگران این کارخانه است. چرا سخنان آقای پیمان مورد استقبال کارگران قرار گرفت؟ بدلیل اینکه در این سخنرانی گوشه‌هایی از واقعیات موجود، و نکته هائی در باره ماهیت مصادیقایی دولت بازرگان، گفته شدو برخی از مسائلی که کارگران بطور زنده شاهد آن هستند، به کارگران سارگو گردید. اما آنچه ما بد مورد توجه کارگران قرار گیرد، اینست که ارزیابی درستی از کسانی مثل آقای پیمان داشته - باشند. و بدانند که آنها تا چه حد دارند مسائل و درد و رنجشان را درک کنند. و تا

سار... سخنرانی سارده که مگر ما دولت سار... کارگران گفتند چرا. فرج بخش گفت حال که ما دولت سار... سار... پس اگر در هشت مدرسه کارخانه شرکت کنیم مثل اینست که شما شرکت کرده‌اید. ما سار کارفرما مذاکره کردیم و سار سار سار طرف کارفرما ۳ نفر سار سار سار سار شرکت کنند و از طرف ما ۲ نفر با ۲ زای در هیئت مدرسه شرکت کنند و از آنجا سار ما سار نیت داریم حاضریم سار سار سار از سار سار - مان، بکنفر منتخب شما را بگذاریم! اعضای شورا میکنند که وقتی حساب کردیم دیدیم فردی که از طرف ما انتخاب میشود فقط به اندازه ۱۰۰۰۰ یک رای حق نظر دارد. ( لازم به تذکر است که سازمان کسرترا مالکیت و صنایع و کالت حدود سار هزار رای را که همگی به انساط به کارکنان واگذار شده سار سار دارد و از لحاظ حقوقی تمام تصمیم گیری ها در مورد این سهام سار سار سار سار سار در مورد تراژنا هم فرج بخش به نمایندند - کان گفته بود که همان طرح پیشین (رجوع کنید به پیکار ۲۲) تصویب شد. نماینده کارگران سپس مقداری هم با آقای سار سار سار فرج بخش صحبت کردند و سار صحبت با او دریافتند که نامه‌ای از طرف آقای خسرو - شاهی کارفرمای کارخانه با آنجا رسیده که روی آن نوشته شده "خلی فوری" کارگران خواستار مطالعه این نامه شدند ولی جواب شنیدند که مجرمانه است. (لابد درست نیست که نماینده ملت! اسرار سرمایه داران را پیش کارگران رو کند!)

۳ - افراد گروه چهارم از خبرنگاران "امت" دعوت نمودند و نیز قرار ملاقات با دکتر پیمان را برای هفته بعد گذارند - گروه پنجم اعلامیه‌ای که حاوی تاریخچه کارخانه همراه با ۹ تراکتیک جمله‌ای و تعدادی پوستر افشارگانه راتهییه کرد. مضمون برخی از تراکتها چنین بود:

۴ - سود کارفرما در سال ۵۷ بیش از ۱۲۰ میلیون تومان شد. حقوق کارکنان را در همین سال حساب کنید.

۵ - مبارزه علیه استبداد، یعنی ایجاد شوراها.

۶ - مبارزه علیه استعمار، یعنی قطع وابستگی اقتصادی.

۷ - مبارزه علیه استثمار، یعنی مبارزه علیه کارفرما.

۸ - آقای خسرو شاهی مسکن میسازید یا قرص مسکن می‌دهید؟

۹ - اسلام گفته حقتان را بزور بگیرید، من نمیدهم شما بزور بگیرید.

شورا برای افشای کارفرما و بازگسو کردن مسائل خود به بخش تراکتها در مقابل داننگاها و نیز تشکیل مجمع عمومی اقدام کرد. در مجمع عمومی که صبح روز دوشنبه ۵۸/۷/۹ برگزار شد، آقای دکتر حبیب الله پیمان در طی سخنانی از دولت به سبب محافظه کاری و سارکاری اش انتقاد کرده و گفت که این دولت بیوفی تکیه به توده‌ها و



مالکیت خصوصی برابر با زارتولید

بقیه از صفحه ۱۰

نیست؟ مگر لئو نکردن قراردادهای سنگین نظامی با آمریکا مورد تأیید امام نیست؟ اگر نیست پس چرا کلمه‌ای هم در این باره نمی‌گوید و عنوان میکنند تضعیف دولت و تضعیف اسلام است و بدین ترتیب توده‌ها را تحریک می‌کند؟ بلی، او هزار بار هم که در حرف به آمریکا بتازد، چه فایده، که در حد حرف باقی می‌ماند و در عمل پشت سر آقای بازگان برای می‌افتد!

و اما آیت‌الله خمینی ضد استثمار هم نمی‌تواند باشد، و این دیگر از همه گمراه‌کننده‌تر و مسخره‌تر است که کسانی نظیر آقای بیمان او را ضد استثمار معرفی میکنند و می‌خواهند حربه‌ای به رهبری او در این مورد تشکیل دهند! آیت‌الله خمینی نه فقط از این لحاظ که بطور کلی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را قبول دارد (یعنی استثمار انسان از انسان را قبول دارد)، نمی‌تواند مخالف استثمار باشد، بلکه به‌قدر از آن غلبا باشد و قبول موجودیت

سرمایه داری بزرگ (وواسته) ، هیچگاه نمی‌تواند ضد استثمار باشد . ( در این مورد مراجعه کنید به نقد سخنان امام خطاب به ماحان صنایع و توجه کنید که چگونه امام از سرمایه داران میخواهد" لطف " نمایند و به کارگران " صدقه " دهند! )

آری ، این یک نمونه از نظرات گچی به نعل و گچی به منح کسانی چون آقای بیمان است . کارگران همواره از آموزگار بزرگ خود لئیس باید یاد بگیرند که :

"...پرولتاریا در سراسر اقتصاد (سراسر سرمایه داران) کاسلا تسپا بوده و در آن واحد هم اشکالات مالک و هم سوزواری روستا است فقط ارکید آن سراسری از حربه سوزواری سرچوردار است (و آسم به همیشه بلکه سدرت) که به سمت پرولتاریا گرایش دارد." (صحه ۶۶ مستح آثار لئیس - برانتر اول و تأکید از ما است .

مردان همه سکار می‌بودند ، اسس شیری است که در خانه همه کارگران می‌خواستند . با کتون بولند اسران ساسیونال ۲۰٪ ضرر کرده است ، مواد خام هم با ۸ ماه دنگرست سرجودس دارد بعد از آن ۱۱ هزار کارگر ۱۰۰۰ کارمند سکار خواهند شد . وقتی اس کارخانه سحواست ، حدود ۶۰۰ کارگر دیگر که رابطه با کار این کارخانه کار می‌کنند ، سکار خواهند شد ، حالا دیگر برای ما روش شده که اس دولت سمسواست . مشکلات ما را حل کند..."

یکی از نمایندگان کارگران سکار پشت میکروفون رفت و گفت :

"من بکمال اس بیگوارم ، مقدار زیادی از وسائل خانه ما فروخته ام تا بتوانم خود و بچه‌ها پرده بمانم... ما می‌خواهیم همه سیمه باشند ، بطور شش ماهی های ۵۰ هزار تومان سستان را بیمه می‌کنید ولی رن بچه‌های ما که مرین می‌شوند ، سایدیمه باشند؟"

وی ادامه کرد :

## وحدت کارگران ، دشمن غارتگران

( گزارشی از اجتماع کارگران بیکارتهران در مقابل وزارت کار )

روزه شنبه ۵۸/۷/۲۶ روزی که سرمایه داران با ماشینهای نیم میلیون سومی و با زن و بچه‌هایی که هر تکه زکوت و بیوسنان با شیره‌مان صدها کارگرد دست شده ، برای گردش از خانه‌های ویلائی خود (که هر کدایش گنجایش چندین خانوار کارگری را دارد) خارج می‌شوند ، ساعت ۹ صبح صدها نفر از کارگران و دیپلمه‌های بیکار بطور ارت کار اجتماع کرده بودند .

کارگران بیکه دشمنان یکپس ، دردشان یکپس ، با هم استنار می‌شوند و آنگاه که دستهایشان در هم گره می‌خورند و با وجود نای ترین دیکتاتورهای در هم می‌پیچوند نای می‌سازد ، پراز محبت ، پراز وفا ، حالسی از گرسنگی ، خالی از فقر و حالی از استنار .

این عده روز شنبه ۵۸/۷/۲۶ سبز در مقابل وزارت کار اجتماع کرده و خواستهای خود را با معاون وزیر کار مطرح نمودند و بدین آنها کفصه بودند که پنجمه برای جواب بدهند . کسند و در این روز آمده بودند تا پاسخ حواست‌های چهارگان خود را که در بر آمده است در یافت کنند .

- ۱ - اقدام فوری دولت جهت ایجاد کار و حلوی کیری از اجراج کارگران ناغل از کارخانه‌ها
- ۲ - پرداخت حق بیکاری
- ۳ - تعیین محل مناسب برای اجتماع و اسور سندیکائی کارگران .
- ۴ - بیمه کردن همه کارگران

کارگران از سلسله کوسی که خودشان نه

دیده بودند ، تحت سکرید . یکی ار کارگران پشت میکروفون رفت و گفت :

"ما کارگران به سلسله کوسی سیمه سیمه می‌خواهیم دولت را ستمت کنیم ، ما می‌خواهیم حق خود را بگیریم . چند روز پیش (۳ سومان به سمام دادم سارود کوشت سکرید ، آسم کوشت "سی" ، سمد ۲ ساعت که در سمد آیساده سمد ، آمد که کوشت سمام شد . اس ار کوسمان . اول مبررم سمد اس سجه ام را سوسم ، کسند ما سده ۱۴ تومان سدی . خوب ، وقتی من پول ندا ریمه آیسما سدم ، یعنی سدم من ساید سدر سخواست" این کارگوس سمسنا نش را با شاعرهای مرگ بر ارتجاع ، مرگ بر سرمایه دار ، زنده باد کارگر ، شما کرد . کارگرد دیگری پشت میکرو فون رفت و گفت :

"برادران کارگر ، کسی میتواند مشکل ما را حل کند که از خود ما باشد ، گرسگی کتیده یا شد . ساسرای آقای وزیر سیمه فهد که وقتی سجه ما مرین می‌شود ، پول دوادو کترند را سیمه سجه . آقای وزیر کسی تواند سیمه سکر سگی سیمه سجه ! می تواند . مسئله ما را هم حل کند..."

کارگری به نمایندگان کارگران اسران ساسیونال پشت میکروفون آمد و گفت :

"رفقا ، برادران ، این مشکل شما سیمه سیمه است . مشکل همه کارگران اسران است . سرور ساس کار سیدید ، امروز ما می‌توس

"رفته بود ما ساسا" معاون وزیر کار رحمت کیم ، سوا کتیم اگر سخواستهای ما رسیدگی سکنند ، ساسنا سجم سکنیم ، آقای سیمه کسند : " شما اسنا سجم بشوند ، ما هم ساس را دخالت سدهیم . اس جواب آسباهه کارگران است . اسباه می‌خواهند سنا ایجاد سترنه از خود کارگران چنان سار سدر سرجود کارگران سارود سیاورند . سنا سراسیم ، ما می‌خواهیم همه کارگران سمد شوند ، سجه سمسای سجه آسبائی که از دهات می‌آسد ، سجه کارگران سگار..."

کارگرد دیگری پشت میکروفون آمد و گفت :

"... اگر می‌خواهید در ما سبرسد ، خانه کارگر را که سملی به ۵۰ هزار کارگرد سستان است از ادکسید ما سمریم سجه سمان را در رای دوساطان خانه کارگر کسرو سگذاریم..."

کارگرد دیگری گفت :

"من یکی از کارگران ساحتی ساسم . ۲۶ سال است در تهران کارگری می‌کنم . صدها خانه برای سرمایه دارها ساخته ام اما خود در خانه‌های زندگی می‌کنم که ۲۵ متر زیر ساسا دارد ، تازه دو خانوار در آن زندگی می‌کنم . من سکرید اگر کار می‌خواهی سباریم سکار . اما سس سگوسم اگر سکر سدر سکار ، مسئله سکاری حل سستود... من سکه سدم و سسهم آسبائی که سمد سده دارد ، سجه دردی سکنند . ما اس دولت را ساسیونی که ۲۰ سزار ساسا دکان واقعی سادر مجلس سرتک سکر سس سس سس سس..."

**حق " بیمه بیکاری " هم حق کارگران بیکار است ، هم حق کارگران شاغل**

### اعتصاب کارگران کارخانه

#### سیتروئن

بدنبال درگیری های همه روزه کارگران با شورا و مدیر عامل بر سر تعیین دستمزد سرانجام مدیر عامل جدید ( نماینده دولت ) آب پاکی روی دست کارگران ریخت ، وی در یک سخنرانی اعلام کرد که کارخانه ورشکست شده و هم اکنون ۷۰۰ میلیون تومان بدهکار است و با این شرایط افزایش دستمزد کارگران امکان پذیر نیست . کارگران جواب مدیر عامل را با اعتصاب دادند . روز دوشنبه ۱۶ مهر ابتدا قسمت مونتاژ رنو دست از کار کشید و دو روز بعد قسمتهای دیگر کارخانه نیز با آنها پیوستند خواهان آمدن نماینده وزارت کار شدند ، باین امید که نماینده از آنان حمایت خواهد کرد .

روز ۱۸ مهر که مصافح با کشته شدن عده ای از پاسداران در کردستان بود رئیس اداره کار کرج به کارخانه آمد . وی برای تحریک کارگران و لووت کردن مسئله اصلی کارگران ، شروع کرد از " خدا تقصلا ب" و تحریکات آنها سخن گفتن . و سخنان خود را با این گفته که ما نباید فقط به فکر شکم و زیر شکمان باشیم ( قیاس به نفیس میکرد ) بی پایان رساند . خشم کارگران به اوج خود رسید و از هر گوشه صدای اعتراض بلند شد ، همیشه شدید در گرفته بود سجوی که دیگر مدای ضایعه وزارت کار شیده می شد ، افزایش دستمزد ، لزوم تهیه مواد اولیه از طرف مدیر عامل ، پاکسازی کارخانه از عناصر فاسد و انگل ، تجدید انتخابات شورا ، تعیین حق ممکن و سنوات معادل کارخانه های ماشین سازی و ... از اهم خواسته های کارگران میباشد .

### مبارزه کارگران نخ زرین

اطلاعیهای اطرف عده ای ارکارگران بح زرس در تاریخ ۲۲ مهرماه سحت عنوان " در کارخانه زرس چه میگذرد؟ " منتشر شده که مضمون افشای کارفرما و حمایت ارکارگران اجرایی و رندانی این کارخانه همکاری و حمایت کمیسر ها را از سرمایه داران کارگران تعدیه میکند افشاء کرده است . در قسمتی از این اطلاعیه پس از آنکه از سردا شدن کارگران توسط کمیته ها و قول و قرارهای آسیا سنی بر ارسال کار نشان برای رسیدگی به اعتراض آنها نسبت به اخراج ۷ نفر ارکارگران ممار توسط کارفرما صحت میکند اما نه میماند : " از قرار می شود که روز شنبه کارشناس بیاورند ، در روز شنبه نا از کار نشان خبری میشود . در عوض کارگران را به وزارت کار رسیده و در وزارت کار هم معمول ماده ۳۳ قانون " تاهشائی " کار را به رخ کارگران میکشد . بر طبق این ماده چنانچه کارفرما از قبیل همکاری جوشن سنا نمیتواند اورا اخراج کند . کارگران که از سردا شدن کمیته ۸ به تنگ آمده سود در ورشکسته دست - جمعی به کمیته مرکز بهارستان میروند . در

در این موقع کارگران نکتوکار اعلام صیستکی کردند . بین اران کارگران سح زرین اعلام همیستکی کردند و گفتند که ۱۰ نفر از کارگران مبارزان کارخانه را چند روز پیش دستگیر کرده اند .

سپس نماینده شورا های متحد ۱۵ کارخانه ضمن اعلام همیستکی ، زندانی کردن کارگران را محکوم کرد و خواستار آزادی آنها شد .

کارگران وزحمکتان سدرانزلی سبزه اعلام همیستکی کردند و گفتند در حران مبارزه میادان با دولت ، چندینا دکشه شدند که عامل اصلی کشتار دولت است .

در این هنگام کارگردگری پشت میگرد - فون رفت و گفت :

" رفقای کارگر ، ما تعدادمان کم است شما باید در قوه خاها ، ماها و در هرکجایی که کارگر بیکار هست ، ما آنها صحت کشند و آنها را آگاه کند ."

یکی از رانندگان شرکت واحد گفت :

" نماینده ما را حدود ۲/۵ ماه است دستگیر کرده اند . ما پستیایی خود را همه خلقهای ایران ، محمول جلی کسرد اعلام میکنم ."

در این روز کارگران دیگری هم صحت کردند و بیامیهای دیگری اطرف کارگران شرکت اکباتان ، کانون دیپلمه های سگار ، کانون فارغ التحصیلان سیکار و ... قرائت شد که از ذکر همه آنها خودداری میشود .

ساعت یک و ربع بود که جمعیت بطرف میدان انقلاب حرکت کرد و ترا رگدا شدند روز شنبه ۵/۸/۵۸ دومرتبه در مقابل وزارت کار اجتماع کردند . تا اس ساعت مسئولین وزارت کار میگریختند ، آقای وزیر سنا مده اند ! و کس دیگری هم به خواهشهای کارگران جواسی نداد . این چندین ماب رسو ده که آنها مثل همیشه ، سد - قولی حیکردند و کارگران را سومی دواندند . کارگران ضمن راهی سنا می خود بطرف میدان انقلاب شعار میدادند ، کفند را سبوس قلبی کارگران ، نابود ما بگردد . بعضی از شعارهای دیگر آنها عبارت بود :

از :  
 " زن و بچه گرسند ، سیر سش نمیشه دولت سرما بدهد ا حروف سش نمیشه " " وحدت کارگران ، دشمن غارتگران " کار ، کار ، بدون سرمایه دار . اتحاد ، اتحاد ، کارگران اتحاد سندیکای واقعی در خانه کارگر ،

سرما به از روزارل نشود سرما به دار حق ترا رسوده کارگران در اجتماع و راهی سنا می خودار خلق فلسطن و تمام خلقهای ایران ، کسرد ، بلرچ ، عرب و ... پشنامی کردند . راهی سنا می تا سنا می ۲ سندا زطهرا داسه داشت و کارگران در میدان انقلاب از هم جدا شدند .

آینده از آن کارگران است

آنها کا غذی به کارگران داده میشود که سرتسوی آن کارگران سبستی ما موران صلح کمیسر را سبرون براسد . ولی هنوز کارگران به کارخانه نرسیده بودند که اطرف همان کمیته مرکز به کارخانه آمده و حکم جلب کارگران را سز می آوردند . در اینجا ۲ نفر ار کارگران مبارز را به کمیته مرکز میبردند ، سبدار مدتی باز سبدر دیگر ارکارگران مبارز را سبده و جوشنست و سبندانزی سوار ما شس کرده و سه کمیته مرکز میبرند ، اران شسز آنان را سبندان اویس منتقل میکنند . هم اکنون این سبدران کارگر در زندان اوسن سبر میسرد . خواهشهای آنان سببار استدائی و برحق هر کارگری است .

چرا باید در حالی که بعضی از کتجنه گران و ما مورن ساواک آزاده زندگی میکنند کارگران زحمکتش و مبارز در گوشه زندان باشند ؟ با سخش روشن است . زیرا دولت حامی سرمایه داران میباشد . مگر ممکن است در حالیکه همه سنا محکومت ، سرما بدهد او با طرفدار سرمایه داران میباشد ، انتظار داشت که از کارگران وزحمکتان حمایت کنند . اس انتظار بوحی است . کارگران تنها با اتحاد و اتکاء به نیروی خود و سببار ندا ختن رژیم سرما بدهاری میتوانند نجات یابند .

در راهی سنا به دستگیری و سبندان انکسند ده نفر از کارگران " نخ زرین " ، شورا های متحد مرکب از شورا های : ۱- جهان جیت ۲ - زر ۳ - ساکا ۴ - شکوکار ۵ - پارس مینور ۶ - استار لایت ۷ - لندور ۸ - روغن سنا می جهان ۹ - چهار صد سنا گاه ۱۰ - برزنت با سنی ایران ۱۱ - سدبگای کسار و سنا فتجسی ۱۲ - بولیگا ۱۳ - مواد اولیه فرش ایران ۱۴ - کارگاه شماره ۲ آرمه ۱۵ - کشمیر ایران . اعلامیه ای استشار داده اند و در آن " دستگیری و سبندان نمودن ۱۰ نفر از کارگران کارخانه فرقه نخ زرین " را " قویا " محکوم کرده و خواهش آزادی آنان شده و اعلام کرده است که در غیر این صورت " دست به اقدامات شدتتری " خواهند زد .

بقیه از صفحه ۱۳ نظا هرات داشجویان ... کردند و سنا شده ای خلق و از جمله : " سب سار ناهید ، امیر شکاری و اختری " شمار میدادند . صف نظا هرکسنگان با خواندن سرود " اسناد " وارد خیابان انقلاب شد و سب میدان انقلاب پیش رفت ، صدای چیل پنجاه نفر ما لائزی که می خوا سب سنا نظا هرات را بهم برسوند ، در مقابل صدای برطنین سنا سنا هرکسده بر شورگرمی - شد . این راهی سنا می ما شمار اتحاد ، مبارزه پیروزی " ، در میدان انقلاب بیابان رسد .

#### توضیح :

ادامه مقالات " ولایت فقیه " و " قانون اساسی " و " موسی صدر ... " را در شماره آینده دنبال میکنیم . ضمنا ما وعده کرده بودیم که جریان توقیف " کارگر به پیش " شماره ۷ را بطور مشروح سببار و سلی از آنها می که در حال حاضر توضیح سبشتری علاوه شرح در پیکار شماره ۲۴ نداشتیم و همچنین از لحاظ تراکم مطالب در مشقیه جا بود ، سببار و سببار این شرح صرف نظر کردیم .

### اخباری از:



## جنبش دانش آموزی

### تهران

شهریه، شهریه مشکل زحمتگشان

روزشبه ۵۸/۷/۲۱ گروهی اردانش آمو-  
زان دبستان البر برای اعتراض به ناصی  
ماندن مدارس خصوصی و عدم شهریه دست به  
تظاهرات زدند. شعارهایی که در آن تظاهرات  
داشته میشد عبارت بودند از: "مدارس خصوصی،  
نگان سرمایه دار، نابود سازد"، "شهریه،  
شهریه مشکل زحمتگشان"، "توراهای واقعی  
مدارس ایجاد میگردند"، "مرگ سراسر فرهنگ  
استعماری"...

### کارگری که ساعتی ۲۵۰ تومان مزد میگیرد

رور شنبه ۲۱ مهر ماه در یکی از کلانهای  
دستان راهنای کودک، سر کلان ریاضی،  
معلم مسئولی را بمورد بر طرح نمکند:  
"کارگری چندای ۲ رور و هر رور ۵ ساعت  
کار میکند و ساعتی ۲۵۰ تومان مزد میگیرد  
مزد هنگی او چند است؟" دانش آسوری  
بجانب اعتراض نمکند: "حاشا، این مسئله  
اشخاص است چون سسر کارگران روری ۱۰  
ساعت کار میکنند و ساعتی ۵۰۰۰ تومان میزدند -  
گیرند! "و حاشا، علم که لیاقت بدین به این سبب  
پرخروش و مبارز را ندارد، نمکند: "سبب  
زیاد حرف زدن! " در اسن موقع، دانش-  
آموز دیگری نمکند: "حاشا، دوست من  
درست نمکند، حشطور است! " حاشا معلم  
بار دیگر بی ثبوری خود را سبب می-  
گذارد و نمکند: "هر دوسون برود سرون  
بای دفتر ناسند! " ساعت بعد که همه ها  
به کلاس برگشتند، دستپاشان گوید شده بود و

بقیه از صفحه ۶ ارتجاع رسوا میشود...  
که آیا شما به اندازه آقای بیادان هم که  
شده قادر نبودید راجع به اس "ماجرای" ها  
حرفی برسید؟ آیا امکانش را داشتند با  
"مصلحت گرایی" اچاره نمیدادند؟ بنام حلق  
کرد و همه کمونیستها هم میگویند که "است-  
الله حمیدی بر تمام ماجرا، زکه در کردستان  
میگذرد) و خوف کامل دارد" (همایحا) اما آنها  
دنبال این نشان میدهند که ماهیت واقعی  
این "ماجرای" ها چیست و نقش آیت الله را هم  
در این "ماجرای" ها نشان میدهند، اما این نوع  
حرف زدن شما در واقع راجع به یکس است و این  
را در جاهای دیگر نامه هم میبینیم.

ساحه دین را در حلقی را که در حرف همه نیرو-  
های دمکرات قبول دارند یعنی "به رسمیت  
شناختن حق تعیین سرنوشت" (همایحا) مستحکار  
میکنند. ولی حاضر نیستند در عمل از این حق  
حفظا دفاع کنند و ماهیت ارتجاعی کسانی را  
که با صدای بلند مخالفت خود را با این "حق"  
اعلام میکنند - که آیت الله خمینی هم جزو  
همین حاشا است چرا که قادر به فرار مسائل حلها  
نیستند - هاشما زیند و قادر نیستند به دلیل  
"مصلحت گرایی" ها به توده ها توضیح دهند که  
تفکر رگتی چیست حاشا که سکرستان انشا برای  
سرکوب همین خلقی بود که همین "تعیین حق

سرنوشت" را میخواستند. اما حاشا همین در حاشا  
تمام وظایفی که بدان عمل نمی نمایند، یک  
کار می کنند و آن اینکه از آیت الله خمینی  
درخواست می کنند که سکرستان بیرون  
... و مصلحت عواطف پدران... "ایطمان جا شد  
(همایحا) اما دوستان ندی در آمده اند،  
چرا که قبل از این چمران و فرماندهان جلا  
ارتش و پادشاهان و تگاوران اعزامی "مبلخ"  
این "عواطف" بوده اند، و خلق کرد نیز جواب  
این "عواطف" را ما امت و پادشاه بی نظیر  
خود داده است. دوستان ما حاشا به تراس  
بعضی با راحت شدن از اینک... ما می دانیم  
به مجرد دریافت نامه، حاضر عده ای حتی در  
مخبر خود شما بسیاری چیرها به ما نسبت خوا  
داد... (همایحا) به چیز دیگری فکر کنند که  
خواهیم گفت. چرا که امروز دیگر تلاشهای  
سحات "انقلاب" و "رهبر" رانزدیکان وی  
نیز آغاز کرده اند. آری بعضی با راحت شدن  
از این که "سوا، تمام" دیگری بر "سوا، تمامات"  
قلبی افزوده شود، بدین حقیقت فکر کنند که  
اگر ارتجاع شی از این قدرت داشت و اگر خلق  
کرد پوره، ارتجاع را در کردستان برخاک  
نماید بود و اگر تلاشهای افکارانه کمونیستها  
و دفاع آنان از آرمان های خلق کرد نبود، چه  
سوا امروز این نامه را هم نمی توانستند به  
مخبر امام بنویسند، چرا که سندهای اصلی  
قدرت حاشا، مصلی ساسات خود را با تمام  
نیروهای خلقی از جمله ماهدین نه بر اساس  
"سوا، تمام" بلکه بر اساس محاسباتی که غرض  
طبعی آنان حکم می کند و بر اساس توانی که  
در لحظه مفروض دارند، معنی می کند. (۱۰)

(۱۰) - مسلما استیلا بر این نیروها، حق  
تعیین سرنوشت استیلائی محدود است و با  
استیلا بر ولری و عاوت اساسی دارد همچنان  
که در عمل سر نهاد اسم.

چشایش اشک آلود، آینه رفقایان  
کفتند: "مدر کتک مطلق ما رد و برسد،  
کی توی شوالش شماره طرداری خلق کسر د  
بوشه؟ و ما کشیم می داسم! " آری  
این واقعه در زمان حاکم رژیم  
حیوری اسلامی دورت سکندرو بد رژیم شاه  
جلاد، رژیم شاه اکسون نشانار هت ماه است  
که سرکون شده است ولی لطیف سازشکاران و  
میوه چسائی که تدرب را قلمه کرده است  
در مدارس با در میانله با حق گوئی  
کودکان ما اسطور عمل میشود. و حکموردلو  
شک نظر است آن مدرسه که تکر سکندرا کتک  
ردن کودگانی که فقط نشان و است کرده است  
میتواند بر و امتات سرپوش بگذارد و کوردل  
تر و کودن تر از این نوع مدرسان رژیمی  
است که با اعمال دناستلائی و مدخلتی خود در حاشا  
زحمتگشان به اس سبب سبب رهمود مصلی  
میدهد.



### اهواز

جدی پیش در دبستان "محبوبه خلیلی"  
بر روی دیوارها شمارهای سفخ خلق گشود  
و هواداری از شیخ عراقی حسینی (مانند  
"درد بر عراقی حسینی رهبر مباررات  
دمکراتیک و مدابریا لستی خلق کسرد")  
نوشته میشود، پس از اینکه اولیا، دبستان  
از این امر آگاه میگردد، دانش آموزان را  
به صف کرده و از آنها و بخوبی دانش -  
آموزان مسلمان میخواهند که اس افراد را  
معرفی نمایند، ولی دانش آموزان متحداً از  
این کار خودداری میکنند.

## خلق بیامی خیزد، جلا خون می ریزد

دانشگاه و حاشا با اخلق فلسطینی و اشغالی  
حمایت نا جری و عوا مفرسا به هشت حاشا که شعار  
می دادند که: "فلسطین پیرو است، اسرائیل  
با بود است"، "حمایت ظهری از فلسطینی،  
فریب و شریک خلق"، آنها، همچنین به شانه  
همستگی با مباررات دمکراتیک و مدابریا -  
لستی خلق کرد و افغانی حاشا است دولت صد  
انقلابی در کردستان و سدر اسرائیلی شعار می -  
دادند که: "خلق کرد پیرو است، ارتجاع  
با بود است"، "خلق کرد تنها است، ایران بها  
جیز"، "جلاد تل رعتر، جلاد خلق ما شد"، "خلق  
بها محمرد، جلاد خون میرسد" و سسر شعاری ما  
مضمون "کنسار اسرائیلی، توطئه ارتجاع".  
تظاهرات گردگان در مسر خود، در سوا سوا سکه  
- های برشکی، ادسات و سوا مدنی سوقت  
بقیه در صفحه ۱۲

### تظاهرات دانشجویان مبارز در تهران

به منظور حمایت از مباررات مدابریا -  
لستی - مدعی سوسیالیستی خلق فلسطین و مدحس  
در رابطه با اغصاب عدا ۵۰۰۰ زندانی فلسطینی  
فلسطینی در اردن اشغالی اسرائیل، رور شنبه  
۵۸/۷/۲۴ مراسم از طرف دانشجویان مبارز،  
ظرفدار آزادی طبعه کار کرد در آفتی تاسر سکه  
می سرگزار کردند.  
در ابتدای مراسم پیام دانشجویان  
مبارز قرائت شد، و آنگاه مطالبی در رابطه  
با حاکم داخلی لبنان و حمایت سازمان اسل و  
مصلی حمران، مدخلهای فلسطین و لبنان  
ایراد کردند. شعار آن گونه های اراد سبب  
فلسطین بناد رومنگان سبب و اسر فلسطینی  
جوابد شد. در پایان متن مدعی اردانشجویان  
به تظاهرات سوا حاشا در حرکت در

## بازرگان چه کسی را میخواهد بفرید؟

( نگاه‌های کوتاه سد صاحب، بحسب وزیر با او ریا نالاجی )

است سخت‌ترین شکوه‌ها و ظالمانه‌ترین احکام دادگاه‌ها و وحشیانه‌ترین اعدام‌ها را تحمل کرده و هنوز هم تحمل میکنند، جنس‌شان مدهد. به این سؤال و جواب توجه کنید:

" فالاجی - آقای بازرگان، شما هم در مورد جیبی‌ها که میسوزانند و خراب میکنند با آقای خمینی هم عقیده هستید؟ ( ما در مقالات متعددی در پیکار ناروا بودن، کذب محض بودن و ناخردانه بودن چنین تهمت - ها شای به کمونیست‌ها را ثابت کرده‌ایم) شما هم مگر حق وجود برای جیبی‌ها مینویسد که سالها مبارزه کرده‌اند؟

بازرگان: اگر مقصودتان کسانی هستند که واقعا علیه شاه مبارزه کرده‌اند - (بازرگان "واقعا" را حق خود و دیگر (آقایان لیبرال رفتمیست‌ها میدانند صدها هزاران کمونیستی که در زمان شاه خاشاک دسته دست به جوجه اعدام سیرده شدند، با هایشان ابره شد، در زیر شکنجه شهید شدند

لسرزل و قشر ممتاز روحانیت) میدانند، روشن‌دم مقدم، روشن‌بخت آزادی بود یعنی حسش من (باید نقول آن شاعر گفت: گنبد و مردار سرا از رزانی!) . اس آقای بانلر که در آن زمان حد ناره به علاقات دوستان (دوستان کی؟ آمریکا؟) آمد تا با افکار و عقاید من از نزدیک آشنا شود (اگر ریگی در کفش شما نبود چرا این قرعه فال بنام شما خورد؟) و در ضمن مرا مطلع سازد که آمریکا شایه هرگز اجازه نخواهند داد که رژیم ایران دچار یک تغییر ناگهانی شود (بخوسی روشن است که او نماینده سبلا و پستگور و سرمایه داران آمریکائی بوده‌اند) اصطلاح "سرپرست دفتر حقوق ستردر نیویورک" و پیام خود را به گوش بیگانه‌های نمرسانده

روبراهه با تعداد ۲۱ مهر قسمت اول از محاسبه سخت‌وزیر، با او ریا نالاجی را چاپ کرده است. همانطور که صداسم‌بندس بازرگان به اعتراف فعالستهای لسرالی کدشته‌اش در محالفت با دیکتاتور شاه و به اعتراف نقشی که در سازش بین امپریالیسم آمریکا و بورژوازی وابسته و روحانیت متواست‌ایفا کند و سیربها طرواستگیهای مدهی ایش مورد "عناات" آقای خمینی قرار گرفت و به نخست‌وزیری دوران بعد از شاه گمارده شد، وی در این مصاحبه سخنانی را بر زبان رانده است که در آن کینه طقانی او را نسبت به زحمتکشان و مدافعین حقوق آنها بعنوان یک خادم و حمایتگر بورژوازی - وابسته ایران، بخوبی میتوان دید.

او برای جنده من بار اعتراف میکند که نه خواستار انقلاب علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه‌خاشن بلکه طرفدار "استراتژی قدم مقدم" و تحویل تدریجی و آرام قدرت بوده است. تحویلی که مسلما زبانانی برای امپریالیستهای آمریکائی نداشته بلکه تنها از این دست به آن دست شود، وی میگوید:

"من بروش "قدم مقدم" و تدریجی عقیده داشتم... و میگفتم: مردم آمادگی مواجه شدن با آزادی را ندارند (!!) باید که آنها را عادت بدهیم، تعلیمشان بدهیم تا از نظر سیاسی شکل بگیرند." (آقای بازرگان نمیتواند بفهمد که زحمتکشان کشور ما بیش از هفتاد سال است برای آزادی می‌جنگند و بدون اجازه ایشان و امثال ایشان نه تنها در مکتب زندگی معنای آزادی را نفهمیده و آموزش دیده‌اند بلکه بارها سازمانهای انقلابی مورد نظر خود را بوجود آورده و شکل بخشیده‌اند.)

او اضافه میکند که این روش مورد قبول آیت‌الله خمینی قرار نگرفت و اکنون با اینکه نخست‌وزیر دولت دوران انقلاب میگوید: "ولی کماکان عقیده دارم که استراتژی صحیح همان چیزی است که من پیشنهاد میکنم!" این سخن بازرگان بقدری عریان است که فالاجی فوراً میگوید "آقای بازرگان، این روش قدم مقدم یعنی همان سازش و استراتژی بختیار". و بازرگان در جواب، پس از آنکه صریحاً رابطه "استراتژی قدم مقدم" خودش را با طرحهای امپریالیسم آمریکا بیان میکند میگوید خود را مبتکر (!) این طرح و بختیار را بعنوان کسی که آمد و "این روش را صاحب شد" معرفی نماید. به سخنان او که نیاز به تفسیر ندارد توجه کنید:

"بختیار هرگز از روش قدم مقدم صحبتی نکرده است. همانطور که آقای بانلر سرپرست و مدیر دفتر حقوق بشر در نیویورک (بخوانید فرستاده امپریالیسم آمریکا به ایران برای پیاده کردن طرح خاشنا سازش امپریالیسم - بورژوازی وابسته با بورژوازی

● روش "قدم مقدم" بازرگان و سیاست بختیار

● آقای بانلر نماینده امپریالیسم آمریکا چه توطئه‌ای را با مشارکت

آقای بازرگان بشمر رسانید؟

● چرا بازرگان به کمونیست‌ها و قبیحانه تهمت می‌زند، این کینه طبقاتی از کجاست؟

و با در دگرپییهای حیساننی سوسله جلادان ساواک شکار شدند... به زندان رفته‌اند، شکجه شان داده‌اند و احیاناً کشته شده‌اند (این کلمه "حساب" را آقای بازرگان با حداکثر وقاحت بورژواشی خود بکار برده‌اند. از کتسارهای چشم بسته خیابانی در سال گذشته که بگذریم آیا رژیم شاه‌خاشن در مبارزه مشخص با نیروهای مبارز، کمونیست‌ها و کارگران را بیشتر کشت یا از طبقات دیگر؟ این واقعیتی است که کمونیست‌ها و طبقه کارگر دشمنان درجه اول امپریالیست‌ها و عمال وابسته بدانها در سراسر جهان محسوب میشوند.) باید در جوابتان بگویم که آنها را دشمنان خود نمیدانیم. انقلاب برای آنها هم آزادی را به ارمان آورده است و تسلا وقتیکه به آرامی افکار و عقاید وادب‌شولوی شایان را بیان کنند هیچکس کاری به کار آنها ندارد (بگیرو ببیند، تهمت‌های ناجوان - مردانه در رادیو تلویزیون و جاهای دیگر کتا بسوزانها و اعدام کمونیست‌ها در گردستان سخنان آقای بازرگان را تأیید!! میکنند) وی در ادامه مصاحبه چنین میگوید:

"جیبی‌های ما از آن جیبی‌های درست و حسابی (شاید منظور حزب توده است که "آزادی" را از ایشان گدائی میکند!) هم نیستند و اکثر آنها آدم‌هایی هستند که با ساواک همکاری میکردند و اگر امروز خودشان را جیبی میدانند به این علت است که این سخنان را دهند و جایش برای خود پیدا کنند".

بقیه در صفحه ۱۵

است!) زیرا آنها (آمریکائی‌ها) عقیده دارند که سد از سقوط شاه کشور دستخوش اعتناش خواهد شد و... و من مرتباً به او جواب میدادم که من هم خواهان یک انقلاب فوری نیستم ولی شاه (توجه کنید شاه‌نه سلطنت) باید برود. به همین علت است که باید آهسته و تدریجی عمل کرد. آقای بانلر بالاخره مجاب شد (یعنی چندان آب از آب تکان نخواهد خورد. برای امپریالیسم آمریکا حفظ منافعش مهم است و بر سر آن است که "مجاب" شده چون تضمین‌های لازم را گرفته است) با آخرین دولت‌های شاه منجمده دولت شریف‌امامی هم تماس گرفت و با آنها مذاکره کرد. بختیار کوچکترین اطلاعی در این مورد نداشت (اختیار دارد! او یار غار شما طی سی سال بوده است و در روزهای آخر حکومتش هم همواره با او در تماس بودید و چون دقیقاً پای خودتان به میان کشیده می‌شود هنوز هم حاضر نیستید او را خاشن بدانید). فالاجی میپرسد: "بنا بر این شما او را یک خاشن و خیانتکار میدانید". و بازرگان جواب میدهد: "در این مورد نمیتوانم صحبت کنم" (اگر آقای بازرگان رای عامه زحمتکشان ایران را دادر بر خیانت بختیار ببیند پس تکلیف خودش چه میشود؟ مگر بازرگان از لحاظ ماهیت بورژواشی، ضد انقلابی و ضد خلقی بودن با بختیار فرقی دارد و اگر فرقی باشد در فروغ استه در اصول). آقای بازرگان در ادامه مصاحبه، کینه طبقاتی خود را علیه نیروهای راستین و فدائ کار خلق، علیه کمونیست‌ها که سالیان دراز

استاندار سیستان و بلوچستان با امام خمینی دیدار کرد

امام خمینی به محمد میر لاشاری تأمین داد

محمد خان میر لاشاری گفت: «ما باید به آجرس دورد مجلس منطقه شورای ملی، معروفترس خان منطقه لاشار (ارغواغ شهر-ستان سراسپور) شخصی که ساکنک عوامل و نمکخیزی و اسند خود زندگی را مردم رهمکن لاشارسگ کرده و سائیدیدوارنات مردم فقیرر، ساها ی کج و هسودان و کجا مکن و ... راه دادن «حاری» (ساح سا مالکات حسی) مسور سکند.

محمد خان کسی است که نمک دارودسته-اش تمام امکانات رفاهی عمومی را قبیل-سپداری، شرکت تعاونی و غیره را منحوسه به خودی که در رزم سابق داشت درروستای محل سکونت خود "هرسودک" گرد آورده و مردم روسای اطراف سیستان شیطی می-سواند از این امکانات استفاده کند که اطلاعات او را سپیدرند و از او و حسانتش پشتیبانی کند ولی مردم تعدادی از روستا های اطراف از جمله روسای حاکم که حدود ۱۰ کیلومتر با هرسودک فاصله دارد در سیار-ابن زور سرفته و برای سالانه مریضهای خود قلمرو ۱۲۰ کیلومتری حاکم-سراسپور را طی میکنند.

آری، امروز رژیم جمهوری اسلامی به حسن خنایتکاری که سالهای سال تحت حمایت رژیم شاه خاش به سرکوب مردم میبرداحته است تا شیب میدهد و از او مسواحد که پس از حلع بلاج با ساکهای منطقه لاشاربه محل سکونت خود برگشته و سا دلگرمی در سایه حکومت جمهوری اسلامی به وظایف خویش عمل کند، آری، سوظایف خویش عمل کند. همچون گذشته به سرکوب مردم فقیر و رهمکن منطقه بپردازد و زالوصفتا به شیره خان زحمتکشان را بکند و سر جان و مال و ناموس آنها حکومت کند.

رژیم جمهوری اسلامی حتی به اس هم اکتفا نمیکند، رژیم سعد از پیام از بیم آنکه مبادا توده های زحمتکش بلوچ روزی حق خود را بطلبند و از برای آنکه فریادهای حق طلبانه آنها را بتواند در نطفه خفه کند، دست در دست مرتجعین حاکمهای منطقه گذاشته، و سرنوست مردم زحمتکش را که انتظار داشتند سعدار این انقلاب بتوانند از شر اس زالوصفتان و حاکمهای خونخوار محات پیدا کنند، به آنها میسپارد و آنها را بر علیه دهقانان زحمتکش منطقه مسلح میکند و بقول خود و طبعه تا مینا مسیت منطقه (سوان سرکوب دهقانان بلوچ) را به آنها میسپارد آری، حجت الاسلام سید علی خامنه ای (که اراغصای رهبری جوب جمهوری اسلامی و عمو شورای انقلاب هم هست) در مسافرت خود به بلوچستان بجای تماس با مردم بلوچ سا عوامل ارسخاع محلی یعنی خانها و سردار ها و یولوی های سرسپرده رژیم فقلی تماس میکند و از ساح ببرار این مسافرت بود که دولت انقلابی! مسمیم به تحویل اسلحه

دکتر حبیب چیرری استاندار سیستان و بلوچستان عصر دیروز در قم بحضور امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران رسید و مشکلات و نرسائی های استان سیستان و بلوچستان را به عرض امام رسانید.

دکتر چیرری در این دیدار تقاضای کتب سران عشایر این استان را نیز بحضور رهبر انقلاب اسلامی ایران تسلیم داشت. تقاضای سران عشایر بلوچستان در ارتقا حدته «لاشار» بود امام خمینی بنانه تقاضای نمایندگان اهالی و سران عشایر بلوچستان و با توجه به اظهار پیشین از بروز حدته این منطقه اعلام داشتند: با توجه به تمهد امضاء کنندگان آن ناحیه به «محمد خان میر لاشاری» موقتم کسانی که در رابطه با این حادثه دستگیر و یا تواربی شده اند تأمین داده میشود که به مراکز سکونت خود بازگشته و با دلگرمی در سایه حکومت جمهوری اسلامی به وظایف خویش عمل کنند.

دکتر چیرری پس از این ملاقات در گفتگویی اظهار داشت: (اطلاعات چهارشنبه ۴ مهرماه، صفحه ۱۶).

به حواسین برای حفظ امنیت مناطق زیر-معدنشان گرفت و در این رابطه بود که به حواسین سرسپرده منطقه از حمله کریم بحث سعیدی نماییه چاه سبار در چهار دوره مجلس شورای ملی، عسی خان مبارکی نماینده ایزآشهر در حد دوره مجلس شورای ملی محمد خان میر لاشاری نماینده دوره اخیر مجلس منطقه شورای ملی، سمن «مبارکزی» نماینده دوره اخیر بلوچستان در مجلس شورای ملی، سهرام خان شراسی، ضمیر مولاداد سردار رزهی و ... به هر کدام ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ قصبه اسلحه از طرف سرگود قیائی فرماده هنگ ژاندار-مری سراسپور (اخیراً بجای او شخص دیگری آمده است) تحویل داده میشود تا امنیت مورد نظر سردمداران رژیم کمونیستی را در منطقه حفظ کند ولی حاکمها تنها به گرفتن اسلحه راضی نمی شوند و در مددبری آیند که جمهوری اسلامی کتلاً سد سرکوبی خلق-بلوچ را در دستشان نگذاراد از این رومحمد-خان سکمک عوامل واسسته خود در اس او اخر (یک روز قبل از سفر ناررگان به بلوچستان) با ساکهای منطقه لاشار را خلق بلاج می-سماید و بدسال آن بود که حاکمها به آنجیزی که در واقع مخواسند مرسند، به آنها میخواستند که آست الله حسی رسماً آنها را ناسد کند تا آنها نتوانند در سایه جمهوری اسلامی با دلگرمی زندگی کنند و سا میتواند از اس کارها نکند، فریادهای حق طلبانه دهقانان زحمتکش را سرکوب کنند خلق بلاج با ساکها (با ساکهای خودی!) که اشکال ندارد، و آیت الله خمینی نیز چنین کرد!

آری، هبوطان مبارز: این دیگر همه چیز را سخوبی روشن می-کند. اس کا ملا مشخص میکند که دولت موقت سا به ماهیت ارتجاعی و مد انقلابی خود از توده های زحمتکش خلق ما هراس دارد و برای اسکه حواسهای حق طلبانه مردم زحمتکش را سرکوب کند، دست در دست حاکمهای محلی، عناصر ارتجاعی و وابسته رژیم شاه سابق میگدارد. این به فقط در بلوچستان بلکه در ترکمن صحرا و کردستان نیز اتفاق

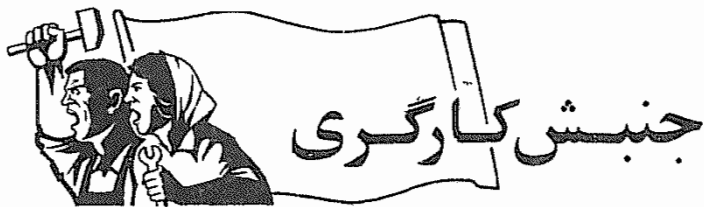
تصادف است. اس سخوبی نشان میدهد که ماه سرکوب خلق دلاور کرد جست و هیست خاکمد حه کسای را مد انقلابی میخواند. امروز از نظر هیست خاکمد، فدا انقلابی-شاه حیا و عناصر ارتجاعی و وابسته رژیم شاه خاش، بلکه فرسدان دلاور و انقلابی خلق کرد هستند که فرساد رزمان در راه رفیع ستم نلی و طبعانی پشت ارتجاع حاکم را نوراده اسب و فرادای دیگر وقتی خلق بلوچ، تحستم حیا که سوسله این رژیم محات مسوند بحان آمده و برای کسب حق خود سا محسرسدو در راه رهائی از ستم طبقاتی و ملی اسلحه دست مسگیرند. از نظر اس رژیم، مد انقلابی نه محمدخان و عسی خان و سهرام خان و ... بلکه توده های سکنت بلوچ خواهند بود که برای کسب اس و آزادی سا خواهند.

اس را از امروز سخوبی میتوان دید، اس حدس و گمان نیست، اس تکرار همان چری مسواند باشد که در خوزستان و ترکمن صحرا و کردستان اتفاق افتاده است و دبر سا رود این رژیم مسور است که ماهیست مد خلقی خود را به دیگر خلقها و به تمام زحمتکشان سمن ما نشان دهد و به توهم خوش ساوری توده های نا آگاه باسان بخشند و معصهای درخشان در تاریخ مبارزات خلق قهرمان ما گشوده شود.

بقیه از صفحه ۱۴ بازرگان ... ما اگر بخواهیم به حرشیات این شهت های سراپا دروغ و کسندورانه بپردازیم سخن نه درازا میکند، همینقدر به کینه طبقاتی سهدس بازگان علیه شرورهای چپ اشاره میکنیم و میگوئیم که «حق با شماست!» و شما و دیگر سردمداران قدرت حاکم باید اینجنس وقیحانه به کمونیستها بتازید، زیرا:

- کمونیستها را ستین هدفی و آرمانی جز رهائی کارگران و دیگر زحمتکشان از قید استثمار شما سرمایه داران و امپریالیستها ندارند.
- کمونیستها را ستین، تنها - آری تنها - سروشی هستند که با صلح بودن به ایدئولوژی علمی، یعنی ما را کمیس-لنینیسم هیچگونه امکان سازشی سب. خود وشما تمام می امپریالیستها و سرمایه داران نمی بینند.
- کمونیستها را ستین طی مبارزات پیگیر و حوسن خود با رژیم وابسته ما امپریالیسم شاه خاش حواستار آن بودند که انقلاب دمکراتیک را برهبری طبقه کارگر بره سر رساند، مابین دولتی بورژوازی و ایزوار سرکوب آن یعنی ارتش را درهم بشکنند و حکومتی انقلابی تحت رهبری طبقه کارگر و با مشارکت دیگر زحمتکشان شهر وده بوجود آورند، حکومتی مستقل و آزاد در چهارچوب جمهوری دمکراتیک خلق، هدفی که هنوز به قوت خود باقی است و طبیعی است که با برنا به آنها جایی برای شما و امثال شما، همدستان امپریالیسم نمی توانست باقی بماند. کینه شما متحصلاً طبقاتی است، کینه یک بسورژوا نسبت به کارگران و زحمتکشان و طرفداران آنها. استطاری خز این از شما نیست.





سابق، قرار گرفته بود شکست انحصار شد. شکیب-  
نیا توانست با استفاده از عدم آگاهی کارگران  
و احساسات مذهبی آنان، با سرهمبندی کردن  
مقداری آیه، سخن کارگران غیررسمی را به  
شکست بکشاند و کارگران را با وعده های سر-  
خرمن خود بفریبند. ولی آیا همیشه اینطور  
خواهد بود؟

### کارگران می رزمند، سرمایه داران توطئه میکنند

### اطلاعیه شماره ۳ کارگران تکنوکار

در پیکار شماره ۲۵، در ادامه اخبار مبارزات  
قهرمانان، کارگران تکنوکار، سخنی از اطلاعیه  
شماره ۲ آنان آوردیم. در این شماره توجه  
شماره به قسمتهایی از اطلاعیه، شماره ۳ آنان جلب  
میکنیم که بسیار نگرین مقام و پرتی کارگران  
تکنوکار در مقابل سرمایه داران و حاکمان  
ریز و درشت آنهاست. و افشاگر رژیم فاشگرایی  
و ضد خلقی ای که دائماً در بوقهای تبلیغاتی خود  
شعار دفاع از "مستضعفین" را سرمی دهد و لسی  
در عمل، در تمام بینه ها در مقابل زحمتکاران و  
در کنار سرمایه داران و مرتجعین قرار دارد.  
زیرا که حومه متعلق به آنان است.

### دو کارگر مبارز، توسط پاسداران و مزدور سرمایه دار، و حشمانه متصرف شدند.

می گویند: " دادگاه با همه اینها و در  
حضور ما تشکیل شود، تا کارگران از توطئه-  
های کارفرما و عوامل مزدورشان خبر شوند."  
پاسداران که با بافتاری و اجتماع  
کارگران خشمگین روبرو میشوند، وحشت زده و  
دیوانه وار تیراندازی هوایی می کنند.  
کارگران هم شروع به شعار دادن میکنند که:  
" مرگ بر این دولت ارتجاعی، مرگ بر  
ارتجاع، ورود با اسلحه به کارخانه،  
ممنوعه". در این موقع یکی از کارگران  
خود را جلوی ماشین پاسداران می اندازد و  
می گوید: " اگر نخواهد مجرم را سیرید،  
باید از روی من بگذرید." یکی از پاسداران  
که شرارت از صورتش می بارید، به پاسدار  
دیگری که راسته بود می گوید: " برو روش،  
برو روش!" و مرتباً سلاح کمری شلیک  
میکند. پاسدار راننده با کمال سستی از  
روی بیکر مردانه کارگر مبارز می گذرد و  
وی که مراد جرومی نام دارد بیپوش میشود.  
رفقای او را به آمبولانس می رسانند، کارگر  
ان چنان بخشم می آید که " پاسداران  
سرمایه" از ترس، بدون بردن فارب فرار  
میکند، نیم ساعت بعد پاسداران تازه ای به  
محل می آید و با این تعهد که منم را فردا  
جهت محاکمه علسی به کارخانه بیاورند، او  
را از کارخانه خارج می کنند.  
آخرین خبر حاکیست که لکن خاصره و  
مهره های کمر مراد از چهار جا شکسته و عتاب  
کارگران جهت رسیدن بخواستهای بحق خسود  
ادامه دارد.

پیش از این خبر داریم که روزیکشنبه  
۵۸/۷/۱۵، کارگران ساز فاستر ویلر و  
ماشین سازی پارس در اجتماع شکوهمند و  
مشترکشان دولت سرمایه داری و موافقت را  
افشا نموده و طی قطعنامه ای اعلام میکنند  
که مبارزه را تا رسیدن به خواسته هایشان  
ادامه خواهند داد. در این روز یکی از  
کارگران آگاه و مبارز، بنام حسن باسادی  
که از نمایندگان واقعی کارگران فاسترویلر  
در شورای کارخانه است سخنانی و افشاگری  
میکند و توطئه های رژیم سرمایه داری  
و برخورد فد کارگری عوامل کارفرما، از جمله  
طالبانی مدیر فاسترویلر، میرزا خانسی  
مدیر عامل صنایع فولاد و اشعری مدیر روابط  
عمومی را برای کارگران توضیح میدهد. این  
عمل با بادی مدیران وابسته و مزدور سرمایه  
داری را بشدت ناراحت میکند، بطوریکه  
تصمیم میگیرند طی توطئه ای، وی را از میان  
بردارند.

روز دوشنبه ۵۸/۷/۱۶ کارگران مبارز  
فاستر ویلر - تهران جنوب پس از تظاهرات  
و راهپیمایی روبروی دفتر شرکت اجتماع  
میکند و دوساره حسن باسادی طی سخنرانی،  
توطئه های ضد کارگری کارفرما را افشا میکند  
پس از سخنرانی یکی از کارگران نا آگاه و  
فریب خورده که تحت تاثیر حرفهای کارفرما  
و عواملش ( اشعری، طالبانی و میرزا خانسی)  
قرار گرفته و بقول و قرارهای آنها دل  
بسته بود، از کمیته خود سیرون می آید و  
با چوبدستی سنگینی که از قبل آماده کرده  
بود، ضربه ای کاری از پشت سر به حسن باسادی  
وارد می آورد. حسن نقش بر زمین می گردد و  
صورتش از خون سرش گلگون میشود. دستهای  
از رفقایش بلافاصله او را به بهداری و از  
آنجا به شهر می برند. دستهای دیگر خشمگین  
از توطئه ای که میکنند متحرک نموده  
واقعیشان شود، ضارب را دستگیر و به باز-  
جویی از او در باره محرکینش می پردازند.  
در آنجا وی مسئله را چنان مطرح میکند که  
کوئی دعوی شخصی نبوده است! در این موقع  
پاسداران مستقر در کارخانه دخالت میکنند  
و ضارب را از چنگ کارگران بیرون میکنند.  
آنها میگویند خودمان در شهری رادادگا می  
میکنیم. کارگران مانع از بردن او میشوند

بنام خداوند درم کوبنده سرمایه داران  
حمله، فاشیستی پاسداران به ما کارگران  
متحن کارخانه تکنوکار  
سرای جلوگیری از توطئه کارفرمای مزه،  
تکسوار برای بستن کارخانه و اخذ کردن ما  
به صف چند میلیونی بیکاران بعد از اینکه تحصن  
اول مادر دفتر مرکزی بی نتیجه ماند و همه  
دستگاههای دولتی از اقدام کارفرما برای  
اخراج ما پشتیبانی کردند، روزشنبه ۵۸/۷/۱۷  
به وزارت کار رفتم تا قرار دادی را که در حضور  
کارگران، نمایندگان کارفرما و سایر پاسداران  
عبارت آن آمده امضا شده بود، اجرا کنند ولی وزارت  
کار به نمایندگان ما گفته بود که " کارفرما  
مطابق قاسون حق دارد درب کارخانه را ببندد  
و مواد خام را چون متعلق به خودش است می تواند  
از آنها تحلیل نماید و به شما هیچ ربطی ندارد."  
وزارت کار دولت موقت جمهوری اسلامی ایران  
در کمک به کارفرما برای اخراج کارگران و بستن  
کارخانه همان قانونی را برخ ما کشید که  
بدست کارشناسان آمریکائی و "آرمونها" می  
مردوم نوشته شده بود. وزارت کار فکر می کند  
مبارزه ما کارگران بر علیه رژیم مزدور شاه  
و اربابان آمریکائیش برای این بود که شاه  
مزدور فرار کند ولی قوانین نظام بوسیله و  
ضد خلقی شاهنشاهی بدست عده ای دیگر اجرا شود.  
در اینجا کارگران پس از اشاره به حمله پاسداران که  
بگفته خودشان از طرف چپان و سخت وزیر آمده  
بودند گفته اند:  
در ساعت ۳ نیمه شب روز دوشنبه ۵۸/۷/۱۹  
پاسداران ملج به مسلسلهای یوزی اسرائیلی  
بقیه در صفحه ۹

### نتایج عدم سازماندهی

تحصن کارگران غیررسمی قسمتهای مختلف  
هواپیمائی ملی اسران، در اثر عدم سازمان-  
دهی مناسب و نا آگاهی و توهم تعداد زیادی  
از کارگران که تحت تاثیر دروغها و وعده وعید  
های قاسم شکیب نیا مدیر عامل این شرکت در  
حال حاضر ورثین کمیته تله کومونیکا سیون  
کنفرا نسهای عمران منطقه ای (در زمان شاه

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر